[**بزرگان کوهنوردی جهان**](http://www.tabiatdost.ir/index.php/joomla-pages/weblinks/102-2015-09-22-08-11-34/273-2015-11-01-06-57-36)

بزرگان کوهنوردی جهان:

[بزرگان کوهنوردی جهان <پیوتر پوستلینگ >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/203)



رفتار انسانی  نیازی به تشویق ندارد . این جمله ای ارزشمند از یکی از اخلاق گرا ترین کوهنوردان تاریخ است. صحبت از پیوتر پوستلینگ است .

بی شک لغت  جوانمرد بهترین صفت برای این  بزرگ کوهنورد لهستانی می باشد .او در k2  ، برودپیک و اناپورنا فداکاری اش نسبت به هم نوردان و دیگر کوهنوردان اثبات کرد .

در سال 1996 وی جان یک کوه نورد ایتالیایی را در کوهK2 نجات داد. وی کوه نورد مصدوم ایتالیایی را که بر روی طناب های ثابت مانده بود با کمک رسیچ پاولفسکی به کمپ اصلی بازگرداند. او پس از امداد رسانی به سمت قله برگشت و پس از صعود و در هنگام ورود به کشورش جایزه صعود جوانمردانه را از کمیته ملی المپیک لهستان دریافت کرد هر چند او معتقد بود رفتار انسانی نیازی به جایزه و تشویق ندارد .

پوستلینگ پس از فتح 12 قله هشت هزاری در صعودبه  اناپورنا نیز به خاطربرف کوری شرپای همراهش به سمت کمپ به پایین برگشت و از صعودی که تکمیل کننده البوم هشت هزاری هایش بود خودداری کرد . این حرکت نهایت فداکاری و جوانمردی پیوتر را به گوش کوهنوردان جهان رساند . پیوتر بعدا در مورد این کارش اینچنین گفت : " ما می توانستیم وی را تنها گذاشته و قله را صعود کنیم اما پس از آن هیچگاه نمی توانستیم از شرم خود را در آینه نگاه کنیم . پیوتر سال بعد با صعود برودپیک به کار خود در هیمالیا پایان داد ولی حکایت جوانمردی های او اعتلابخش  راه تمام کوهنوردان جهان خواهد بود .

[بزرگان کوهنوردی جهان <جرزی کوکوشکا >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/202)



 نفرین بر طناب 6 میلی متری مستعمل ژاپنی ها .

 طنابی که رشته زندگی بزرگترین کوهنورد دوران را از هم گسیخت . واقعا اگر زنده بود چه کوه و صخره ای بود که در زیر گام های استوارش سر تعظیم فرود نمی آورد ؟ کدام کوه بود که نام غیر قابل صعود بر رویش می ماند ؟ متاسفانه فقط با یک اتفاق ساده اکنون در میان ما نیست .

 بیش از 25 سال از روز شوم می گذرد ولی هیچ کوهنوردی حتی به نزدیکیه افتخارات او هم نرسیده است فتح 14 قله هشت هزاری با آن امکانات و ابزار بی کیفیت و نا کافی . با بودجه های صعود هایی که از کار رنگ آمیزی دودکش ها کارخانه ها و با آن مشکلات به دست می آورد . صعود 9هشت هزاری از مسیر جدید و 4صعود زمستانی که همگی برای اولین بار بود نشان از قدرت بدنی اعجاب اور و تخصص ذاتی این ابرکوهنورد بوده است .

مردی که در هیچ صعودی شکست نمی خورد . مردی که مسیر صعودش در K2 سخت ترین کوه دنیا تعجب هر بیننده را بر می انگیزد . صعودی که با سنگ نوردی در ارتفاع بالای 8400متر و بدون اکسیزن به نام مسیر خودکشی  توسط رینهولد مسنر نامیده شد .فتح هشت هزاری ها کمتر از هشت سال با چنین سبک صعود هایی رکوردی ، است که بی شک هیچ کوهنوردی به ان نزدیک هم نخواهد شد . او تمام صعودهایش را به جز اورست بدون اکسیژن صعود کرد . توانایی های خارق العاده او هنوز برای همه قابل تامل است .

 اگر کوهنوردی را سخت ترین ورزش دنیا بدانیم قطعا او برترین ورزشکار دوران بوده . حیف و صد حیف که او دیگر در میان ما نیست . مردی که خارج از  کوهستان نیز در اخلاق و منش یگانه بود . دوستانش از او به عنوان مردی مهربان و جوانمرد یاد می کنند . جرزی کوکوشکا که دوستانش به او یورک می گفتند به سختی هزینه های صعودش را تهیه می کرد و اگر از حمایت و پشتیبانان مالی که امروزه وجود دارند بهره مند بود و تجهیزات فعلی در اختیارش بود شاید صعودهایش زمان  بسیار کمتری از هشت سال هم  می بود .

دیواره جنوبی لوتسه باید به خاطر نگه داشتن چنین مردی در بین سنگ های سردش به خود ببالد .

 به هر حال اکنون او در میان ما نیست ولی این کمترین  حق  اوست که گمنام نماند . این حق اوست که از کوهنوردانی که به سختی و با مشکلات مالی  همانند خودش راهی هیمالیا می شوند کلاه  احترام از سر برداریم .  کوکوشکا استوار بود  و محکم .

فقط  کوه کانچن چونگا  بود که اشک های این قهرمان را دید و آن هم به هنگام دفن هم نوردش در میان

 صخره های سخت و سرد . همه اینها را گفتیم ولی شاید از آن مرد بزرگ چیزی نگفته باشیم . صداقت

 رینهولد مسنر قابل ستایش است هنگامی که به کوکوشکا گفت: اگرچه من اولین فاتح هشت هزاری ها

 هسستم ولی تو بهترین آنهایی .

فقط هیمالیا نودان هستند که در سخت ترین شرایط صعود هایشان  ، زحماتی که قهرمانان گذشته در فتح قلل

 کشیده اند  را درک می کنند . درود بر لهستان و کوهنورد نامی اش جرزی کوکوشکای بزرگ.

[بزرگان کوهنوردی جهان <رالف دوجموویتس >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/201)



رالف دوجموویتس کوهنورد و سنگ نورد نامی آلمانی نخستین کوهنورد کشورش است که توانست 14 قله هشت هزاری را صعود نماید . رالف متولد 1961 می باشد . رالف قصد دارد امسال  به ناکامی صعود زمستانی نانگاپاربات پایان دهد .او به این منظور روزهای گذشته صعودی به قله  اکونکاگوآ داشته و چند روزی را به هم هوایی در قله و ارتفاعات بالای این  کوه پرداخته است . قصد او صعود از جبهه دایامیر می باشد . رالف به نیت صعود سولو و سریع  بدون استفاده از طناب های ثابت و کمپ های  میانی  به نانگا  می رود که این کار ارزش زیادی به صعودش در صورت به هدف رسیدن خواهد داد . رالف از کمک  هم نوردش دارک زالوسکی در ارتفاعات پایین بهره خواهد برد ولی به دلیل عدم هم هوایی قسمت های آخر را به تنهایی صعود خواهد کرد .آلمانها نقش موثری در اولین صعودهای  نانگاپاربات داشته اند و این خود انگیزه مضاعفی به این کوهنورد شایسته المانی خواهد داد.

[بزرگان کوهنوردی جهان <لزک سیچی >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/200)



لزک سیچی کوهنورد ی گمنام ولی بزرگ است . او کسی بود که  حماسه اولین صعود زمستانی اورست را محقق کرد .

البته او این صعود رو به اتفاق کوهنورد بزرگی همچون کریستوف ویلیجکی به انجام رساند . لزک در نوامبر سال 1951 در لهستان به دنیا امد و بعد ها همراه با ولیچیکی ، کوکوشکا ، اندری چوک ،ماسیج بربکا،ارتور هایزر ، زاوادا و بسیاری دیگر از بزرگان کوهنوردی لهستان بسیاری از شاخص ترین صعود های تاریخ کوهنوردی را محقق کردند . لزک سیچی جدا از ورزش در تحصیلات نیز موفق بود و در کشورش به عنوان یک کارافرین شناخته می شود . صعود زمستانی اورست در سال 1980 اولین صعود زمستانی یک هشت هزاری محسوب می شود و نام لزک و ولیچکی را همیشه جاودانه کرد .لزک بعد ها موفق شد به عنوان اولین لهستانی 7 قله  هفت قاره را فتح نماید .

در میان تلاشهای سیچی می توان به کارهای بزرگی چون صعود به:

۱۹۷۴ شیسپار ۷۶۱۱ متر در قراقروم

۱۹۷۵ گاشربروم دو

۱۹۷۶ صعود تا ارتفاع ۸۲۳۰ متری کی دو از مسیر نو

۱۹۷۸ همراهی تیم لهستانیها در صعود به ماکالو

۱۹۸۰ نخستین فتح زمستانی اورست در ۱۷ فوریه به همراه کریستوف ویلیجکی و سرپرستی آندره زاوادا

۱۹۸۴ صعود قله غربی کانچن چونگا، یالونگ کانگ ۸۰۰۵ متراز مسیر نو

۱۹۸۷ صعود به قله آکانکاگوا بلندترین قله آمریکای جنوبی از مسیر نو بر روی دیواره جنوبی به همراه کولاکوسکی

۱۹۸۹ نخستین صعود لهستانیها به دنالی بلندترین کوه آمریکای شمالی از مسیر نو بر روی جبهه جنوبی

۱۹۸۹ کوه وینسون در جنوبگان

او همچنین از نویسندگان کتاب “گفتگو با اورست” بوده مقالات بسیاری را در نشریات کوهنوردی کشورش به چاپ رسانده است.

سیچی طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۹۹ ریاست آلپاین کلاب لهستان را بر عهده داشت ودر سال ۲۰۰۴ نشان لیاقت ملی را از رئیس جمهوری کشورش دریافت نمود.

[بزرگان کوهنوردی جهان <یولی استک >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/198)



 دنیای کوهنوردی بزرگان زیادی را تا به حال به خود دیده است. ولی شرایط یک تازه وارد تا حدودی با بقیه در این زمینه فرق دارد . صحبت از یولی استک ، کوهنورد خارق العاده سوییسی است . یولی  که این روزها به خاطر اولین صعود سولو جبهه جنوبی آناپورنا در محافل خبری خارجی نام او بر سر زبان هاست یکی از کوه نوردان تاپ دنیا محسوب میشه که با صعودهای سخت و سریع به سبک آلپاین شهرت خوبی برای خود به دست آورده است .او با تمرینات هر روزه  و سخت توانسته به توانایی بدنی اعجاب انگیزی برسد و صعودهای فوق العاده سریعی را انجام دهد.بیشتر فعالیت های او شامل  صعودهای سولو در جبهه شمالی قلل آلپ بوده  که به شکل حیرت آوری سریع بوده اند. شاهکارهای "سریع و سبک" او در کوه نوردی مدرن همچون صعود سولو در جبهه شمالی  در سال ۲۰۰۸ در مدت زمان تنها ۲ ساعت و ۴۷ دقیقه و صعود سولو شیشاپانگما در سال ۲۰۱۱ تنها در عرض ۱۰ ساعت و نیم از آن جمله هستند. ولی قطعا ناب ترین صعود او  ،صعود پاییزی او به قله اناپورنا از مسیر جبهه سخت جنوبی بود که  سالها غایت آرزوی بهترین کوهنوردان جهان بود. این کوه نورد ۳۷ ساله سوئیسی که در تاریخ ۹ اکتبر (۱۸ مهر) موفق به صعود تاریخی جبهه سخت جنوبی آناپورنا به ارتفاع ۸،۰۹۱ متر شده  است که به عنوان شاهکاری برای تمام دوران می توان از آن یاد کرد

[بزرگان کوهنوردی جهان <مارک اینگلیس >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/195)



 مارک اینگلیس  کوه نورد و محقق ۵۳ ساله نیوزلاندی احتمالا برای خیلی ها آشناست. او اولین کسی ست که با دو پای مصنوعی اورست را صعود کرده است. پاهای او هر دو از زیر زانو قطع شده اند. عامل قطع شدن پاهای او مربوط به یک حادثه کوه نوردی ست. مارک پاهای خود را در سال ۱۹۸۲ بر اثر سرمازده گی هنگامی که در حال صعود مرتفع ترین کوه نیوزلاند، کوه کوک (Mount Cook) بود، از دست داد. او در این حادثه که در حال صعود بود به دلیل طوفان سنگین در میانه راه (نزدیک قله) مجبور به بیواک در یک غار برفی شده بود. مارک به همراه همنورد خود فیل دوول نزدیک به دو هفته برای زنده ماندن با سرما و طوفان مبارزه کرده بودند.

این حادثه هر اندازه سنگین و مخرب هم که بود نتوانست مرد نیوزلاندی را از کوهستان بدور کند. او در سال ۲۰۰۴ موفق شد قبل از اعزام به اورست و در جهت کسب آماده گی برای صعود آن چو آیو ششمین قله مرتفع جهان به ارتفاع ۸۲۰۱ متر را صعود کند که با این صعود اولین کوه نوردی بود که با دو پای مصنوعی یک قله هشت هزار متری را صعود می کند. و بلاخره بعد از ۲۴ سال از آن حادثه که منجر به از دست دادن هر دو پای خود شده بود با یک چالش بزرگی در زندگی خود روبرو شد و این چالش اورست نام داشت که می توانست برای هر کوه نوردی یک چالش بزرگ باشد. او در این صعود از دو پای مصنوعی فیبر کربن استفاده می کرد.

این اتفاق در سال ۲۰۰۶ افتاد و مارک اینگلیس موفق شد تا بر این شرایط دشوار چیره شده و اورست را صعود کند، بدین ترتیب او فصل جدیدی در تاریخ صعودهای بالای هشت هزار متری را رقم زد. اگر بخواهیم به شکل خیلی کوتاه نگاهی به این صعود داشته باشیم، مارک بعد از صعود قله موفق شد تا خود را به کمپ چهار برساند اما به خاطر درد شدیدی که داشت نتوانست آنجا بماند و باید به کمپ های پایین تر منتقل می شد. او بعد از بازگشت به خانه چند هفته ای را در بیمارستان بستری بود و چند اینچ دیگر از پاهای خود را به خاطر سرمازده گی از دست داد.

شبکه دیسکاوری مستندی را به نام "اورست، فراتر از مرزها" تهیه کرد که مربوط به ۱۱نفری ست که در شرایط سخت اورست را صعود کردند که یکی از این ۱۱ نفر مارک اینگلیس بود.

این مستند به سه فصل که هر فصل دارای چندین قسمت می باشد، تقسیم شد که اینگلیس در فصل اول جای گرفته بود.

احساس او برا این است که ما برای نظاره دنیا نیامده ایم بلکه اینجا هستیم تا تغییری ایجاد کنیم. او در کارنامه خود رکاب زنی در بالاترین حد پارا المپیک را نیز دارد. او همچنین بعد از بیست سال دوباره به کوه کوک بازگشت و اینبار موفق به صعود آن شد.

[بزرگان کوهنوردی جهان <هنس کمرلندر >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/193)



ایتالیا مهد کوهنوردان بزرگ بوده و هست . از مسنر و بوناتی بزرگ گرفته تا جوانانی نام آور همچو سیمون مورو . هنس کمرلندر نیز از این جرگه هست . کوهنوردی توانمند و جسور که  بی شک از بزرگان این عرصه در تمام دوران می باشد . در کارنامه درخشان هنس صعود به 12 هشت هزاری و اولین صعود کننده به دومین قلل بلند قاره ها بیشتر به چشم می آید . تروارس گاشربروم ها به همراه مسنر نیز از شاهکارهای او به حساب می آید . او در بسیاری از صعود ها به همراه مسنر بزرگ بود و یکی از بهترین زوج های تاریخ کوهنوردی رو تشکیل داده بودند . هنس جدا از کوهنوردی در اسکی نیز مهارتی باور نکردنی داشت و فرود او با اسکی از قله نانگاپاربات و اورست  نشان از مهارت فو ق العاده او می نمود . هنس پس از کشته شدن دو تن از هم نوردانش در ماناسلو دیگر به این کوه بازنگذشت و به علت صعود تا قله مرکزی شیشاپانگما  و عدم صعود به قله اصلی نتوانست به باشگاه هشت هزاری ها بپیوندد. ولی هیچ کدام از این اتفاقات نتوانست از توانایی های این ابرمرد کوهنوردی جهان بکاهد .در ادامه به افتخارات او نگاهی می اندازیم .

سوابق كوه نوردي هنس كمرلندر

صعود بيش از 2000 مسير در منطقه دولوميتها كه در ميانشان بيش از 50 مسير نو وجود دارد .

صعود جبهه شمالي آيگر، ماترهورن، گراندژوراس، تره سيما، جبهه جنوبي مارمولادا و جبهه شمال شرقي سويتا

چوآيو به همراه راينولد مسنر 1983 .

تراورس گاشربروم دو به يك به همراه مسنر 1984

آناپورنا گشايش مسير جديد در جبهه شمال غربي 1985

دائولاگيري 1985

ماكالو به همراه مسنر 1986

لوتسه به همراه مسنر 1986

سرتوره 1987

نانگاپاربات فرود با اسكي از قله 1990

شش هفته كوه نوردي سنگين به همراه راينولد مسنر در جنوب تيرول پائيز 1991

صعود 4 جبهه ماترهورن در مدت زمان 24 ساعت 1992

شولينگ در هند صعود از مسير جديد 1992

آمادابلام 1993

برودپيك فرود با اسكي از ارتفاع 7900 متري 1994

آمادابلام 1995

شيشاپانگما (قله مركزي) فرود با اسكي از ارتفاع 7900 متري 1996

اورست جبهه شمالي صعود در مدت 23 ساعت و سي دقيقه و فرود از قله با اسكي از جبهه شمالي 1996

كانچن چونگا فرود با اسكي از ارتفاع 7600 متري 1998

كي دو صعود تا ارتفاع 8450 متري 1999

موستاق آتا فرود با اسكي از قله 1999

كي دو بازگشت از ارتفاع 8000 متري 2000

تانگ راي 6240 متر در پاكستان 2000

كي دو صعود قله 2001

آمادابلام 2002

نوپتسه شرقي7804 متر ناموفق 2003

جاسمبا 7350 متر از جبهه جنوبي در نپال ناموفق 2005

جاسمبا 7350 متر از جبهه جنوبي در نپال از مسير جديد 2007

[بزرگان کوهنوردی جهان <جورج باند >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/192)



 جورج باند را می توان از بزرگان کوهنوردی جهان یاد کرد  مردی که در صعود های بزرگی شرکت داشت و علاوه بر آن مدیری ورزشی و نویسنده ای زبردست بود . وی که متولد سال 1929 در تايوان بود، تحصيلات خود را در كالج التهام، كمبريج و دانشگاه لندن صورت داد.

در سال 1953 جورج در سن 23 سالگي به عنوان جوانترين عضو گروه به همراه جان هانت راهي [اورست](http://rzarei.blogspot.com/2007/09/blog-post_4913.html) شد. در آن صعود [ادموند هيلاري](http://rzarei.blogspot.com/2008/01/blog-post_11.html) و [شرپا تنسينگ نورگي](http://rzarei.blogspot.com/2007/09/blog-post_02.html) به عنوان نخستين انسانها گام بر فراز قله اورست نهادند. اين صعود درست يك ماه قبل از مراسم تاجگذاري ملكه اليزابت صورت گرفت.

تنها دو سال پس از [اورست](http://rzarei.blogspot.com/2007/09/blog-post_4913.html)، وی به همراه جو براون و كارلوس اونز نخستين صعود قله [كانچن چونگا 8586](http://rzarei.blogspot.com/2007/09/blog-post_1295.html) متر را صورت دادند. در آن صعود آنها به احترام ديدگاهها و عقايد مردم ايالت سيكيم هند كه معتقد بودند فراز قله جايگاه خدايان است، از گام نهادن بر قله اجتناب نمودند.

جورج باند همچنين صعودهاي زيادي را در آلپ، قراقروم پاكستان، پرو، قفقاز و نقاط مختلف دنيا صورت داده است، ضمن آنكه وي سخنران و نويسنده شايسته اي هم به شمار مي آمد.

وي همچنين سمتهاي رسمي زيادي را نيز در كوه نوردي بر عهده داشت كه مهمترين آنها عبارتند از:رئيس بنياد اورست در دهه  80، رئيس آلپاين كلاپ انگلستان ، رئيس انجمن سلطنتي جغرافيا

 ، رئيس اتحاديه كوه نوردي انگلستان

 وي همچنين كتب با ارزشي را نيز در مورد كوه نوردي به رشته تحرير در آورده:

     مسير راكاپوشي در سال 2003

     50 سال با بام دنيا در سال 2003 و به مناسبت پنجاهمين سالگرد صعود به اورست

     150 سال با آلپاين كلاب از جمله نوشته های او به شمار می آیند.

سر انجام جورج در روز 26 آگوست 2011 در خانه اش در همپشایر دارفانی را وداع گفت.

[بزرگان کوهنوردی جهان <جونگو تابی >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/189)



 از جونگو تابی  به عنوان یکی از  مشهور ترین زنان کوهنورد و حافظان محیط  زیست می توان نام برد .

جونگو تابی  متولد 22 سپتامبر سال 1939 در شهر هوکاییدو ژاپن است. او به عنوان اولین زنی شناخته شد که قله اورست  را در 16 مه سال 1375 صعود کرد.

او پس از کسب مدرک ادبیات انگلیسی از دانشگاه زنان شوا ، جائی که به عضویت انجمن کوهنوردان درآمد ، در سال 1969 انجمن زنان کوهنورد  را در ژاپن تشکیل داد ، او قله فوجی و سپس ماترهورن در رشته کوه آلپ را در سال 1972 صعود کرد و سرانجام وجود او به عنوان یک کوهنورد در ژاپن به رسمیت شناخته شد !  در سال 1975 با همکاری روزنامه یومیوری و تلویزیون نایهون فراخوانی جهت انتخاب یک تیم از کوهنوردان زن جهت اعزام به اورست برگزار شد و پانزده کوهنورد از جمله جونگو به عنوان نفرات برتر انتخاب شدندو پس از یک دوره طولانی آموزش به کاتماندو اعزام شدند ، در آنجا نه شرپای محلی آنها را همراهی کرد و از مسیر سر ادموند هیلاری و تنسینگ نورگی اکسپدیشن خود را آغاز کردند ، در اوایل ماه مه آنها در ارتفاع 6300 متری کمپ خود را برقرار کردند و در همانجا بهمن به کمپ آنها یورش برد . جونگو و تعدادی دیگر در زیر آوار بهمن گرفتار شدند و او برای شش دقیقه بیهوش بود تا اینکه شرپای او به کمکش شتافت و او را بیرون کشید ،  دوازده روز بعد از این حادثه جونگو تابی اولین زنی شناخته شد که بر فراز بام جهان ایستاد .

در 28 ژوئن سال 1992 او با صعود از Puncak Jaya اولین زنی شناخته شد که هفت قله بلند هفت قاره جهان را صعود می کرد ، اگرچه به مرور آهنگ صعودهای او کاهش یافت اما دغدغه محیط زیست او را همچنان به عنوان یک فعال در این زمینه به خود مشغول کرد ودر حال حاضر مدیر Himalyan Adventure Trust ژاپن است ، سازمانی که در سطح جهانی برای حفظ محیط کوهستان فعالیت دارد.

[بزرگان کوهنوردی جهان <سپ مایرل >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/188)



نفر وسط سپ مایرل

از سپ مایرل به عنوان کوهنوردی همه فن حریف می توان نام برد . سپ از پیشگامان کوهنوردی در اروپا وو الپ بود که بسیاری از کوهنوردان از او الگو می گرفتند .

رینهولد مسنر، اولین فاتح ۱۴ قله بالای هشت هزار متر، سپ را به عنوان مربی خود می شناخت: " سپ مایرل جزء معدود کوهنوردانی بود که می توانست در هر منطقه صعود کند. او تخصص نداشت بلکه او می توانست به همان خوبی که در یخ صعود می کند بر روی صخره نیز صعود کند و این قابلیت را مرحله به مرحله در طول سالها تجربه اندوزی به دست آورده بود."

از صعود های شاخص سپ مایرل می توان به صعود های  جبهه شامل غربی مونت سیوتا، جبهه شمالی و عمودی ساسولونگو، اولین صعود زمستانی مونت اگنر  از جبهه شمالی و اولین صعود لوتسه شار در سال ۱۹۷۰ (صعود یکی از قلل فرعی لوتسه) نام برد

سپ از جمله کوهنوردانی بود که کهولت او را هیچ گاه از کوهنوردی جدا نکرد و همیشه در پاسخ به دیگران می گفت تا زمانی که بتوانم کوهنوردی می کنم .

سرانجام  در روز شنبه ۲۷ جولای ۲۰۱۲ جوزف مایرل یا همان سپ کوهنورد افسانه ای اهل تیرول اتریش در سن ۷۵ سالگی در حال صعود لینزر دولومیتس در اتریش بر اثر سقوط  درگذشت

[بزرگان کوهنوردی جهان <کیم چانگ هو >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/179)



  در بهار امسال  کیم چانگ-هو  کوهنورد پرتوان کره ای  با صعود به اورست خود را به عنوان سی و یکمین عضو کلوپ هشت هزاری ها را به خود اختصاص داد .او با صعود بدون اکسیژن مکمل به عنوان اولین کره ای شناخته شد که توانسته اورست را بدون اکسیژن صعود کند. کیم با این صعود پروژه ۱۴ قله بالای هشت هزار متری را نیز به پایان رساند و دوباره به عنوان اولین کره ای شناخته شد که توانسته هر ۱۴ قله هشت هزار متری را بدون استفاده از اکسیژن مکمل صعود کند. اما موضوعی که اهمیت صعود او را دوچندان می کند مدت زمان تکمیل این پروژه می باشد. کیم مدت زمان ۷ سال و ۱۰ ماه و ۶ روز برای تکمیل صعود قلل ۱۴ گانه بالای هشت هزار متری سپری کرد، که طبق گزارش فدراسیون کوه نوردی کره جنوبی، کیم چانگ-هو رکورد قبلی را که با مدت زمان ۷ سال و ۱۱ ماه و ۱۴ روز در اختیار کوه نورد افسانه ای لهستان، یرزی کوکوچکا، بود را شکست. اگرچه نباید فراموش کرد که یرزی کوکوچکا جندین مسیر نو و چند صعود زمستانی (برای اولین بار) در قلل بالای هشت هزار متری به نام خود ثبت کرده بود.کیم چانگ هو سال گذشته موفق به دریافت جایزه کلنگ طلایی آسیا نیز شده بود

[بزرگان کوهنوردی جهان <آنی اسمیت پک >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/177)

  بی شک آنی اسمیت پک ، برجسته ترین فارغ التحصیل تاریخ کالج رود آیلند می باشد و یک تراژدی است که بسیاری از مردم او و دستاوردهایش را نمی شناسند.تولد 19 اکتبر سال 1850 ، مرگ 1935 ، محقق و کوه نورد امریکائی در پراویدنس بدنیا آمد و کوچکترین در میان پنج فرزند خانواده بود ، پدرش جورج ب . پک ، فارغ التحصیل براون و عضو شورای شهر پراویدنس بود . این زن خستگی ناپذیر در سن چهل و چهار سالگی کوه نوردی را آغاز کرد و بعد از چندین تلاش سومین زنی شناخته شد که ماترهورن را صعود می کرد و اولین کسی بود که به جای دامن دست و پا گیر از شلــــوار برای کوه نوردی استفاده می کرد. او کوه نوردی خود را به سایر مکانهای دنیا گسترش داد و رکورد صعود به قله 6772 متری هاسکاران در کشور پرو در سال 1908 را به ثبت رساند ، در آن زمان او پنجاه و هشت ساله بود ، این رکورد با حدود یک دهه تلاش کوه نوردی به دست آمده بود و در آن زمان او تصور می کرد که بلندترین قله جهان را صعود کرده زیرا هنوز مقیاسی از بلندترین قله های جهان در دسترس نبود اما با این حال او اولین فرد ، چه زن و چه مرد بود که به چنین ارتفاعی دست یافته بود. در کنار دشواریهای صعود تمسخر بسیاری ار مردان کوه نوردی نیز از جمله مواردی بود که باید با آن مقابله می کرد ، تشکل های نوپای کوه نوردی و تجهیزاتی که تولید شده بود عمدتا" برای مردان طراحی شده بود و برای زنان زمخت و ناراحت کنند بود از این رو برای صعود به هاسکاران پوتینی را طراحی و برای دوخت سفارش داد.او یکی از حامیان سرسخت حق رأی زنان بود و صعود بعدی خود به قله کروپونا در پرو به ارتفاع 6430 متر در سال 1909 را با حمل پرچمی انجام داد که روی آن نوشته بود "به زنان حق رأی دهید" او این پرچم را روی قله نصب کرد.کوه نوردی و سفرهای او تا پایان عمر در سرتاسر دنیا ادامه داشت و آخرین قله ای که صعود کرد ، مدیسون در نیوهمپشایر به ارتفاع 1719 متر در سن 82 سالگی بود. در 18 جولای سال 1935 در نیویورک درگذشت ، جسد او را سوزاندند و خاکستر آنرا در زادگاهش به خاک سپردند. یادش گرامی باد

منبع وبلاگ گل کوه

[ویتالی میخایلویج آبالاکف](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/176)

 ویتالی میخایلویج آبالاکف  در سال 1906 و در کراسنویارسک سیبری متولد شد. کوهنوردی را در دیواره های معروف کراسنویارسک آغاز کرد .در سال 1920 او و دو همنوردش که به اندازه خود ویتالی بی تجربه بودند صعود دلیرانه ای به dyak-Tau 5198 در منطقه قفقاز انجام دادند.او به صعودهای سخت دیگری نیز دست زد. به قله هایلنین(7134)و تیاپستیا  6050درپامیر و چهارقله دیواره بزنقی در قفقاز را صعود نمود. بعد از این ها به او لقب استاد آلپاین داده شد و به ریاست مدرسه کوهنوردی رسید. در 1931 یکی از اعضای تیمی بود کهخانتانگیری را برای نخستین بار صعود کردند اما 7 انگشت دست و نیمی از پایش را بدلیل سرمازدگی از دست داد.ان حادثه ذهن او را متوجه امنیت در کوهنوردی کرد. پس از شرکت در جنگ علیه آلمان و همچنین رسیدن به مقام اسکی باز حرفه ای آلپاین ، بقیه عمر رییس یک آزمایشگاه در موسسه مرکزی تحقیقات فرهنگ طبیعی بود. در این مدت حدود 40 کتاب نوشت از جمله زندگینامه اش با عنوان "ندای کوهستان"

[بزرگان کوهنوردی جهان <آدام بیلکی >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/171)



 آدام بیلکی را می توان پدیده ای جدید و پرفروغ در میان  کوهنوردی جهان محسوب کرد . ادام وارث نسل طلایی کوهنوردان بزرگ لهستانی همچون کوکوشکا ، اندری چوک ، بربکا ،هاجر و ولیچیکی است . کلکسیون ادام در این چند سال گذشته به سرعت با صعود های قدرتمند او تزیین شده است . آدام در زمستان گذشته موفق به اولین صعود زمستانی برودپیک شد . هرچند تیم 4 نفره آنها در برگشت به دو نفر رسیده بود . تابستان همان سال ادام قله سرسخت کی تو را پشت سرگذاشته بود و قبل از آن در زمستان 2011 همراه با  یانوژ گولاب موفق به اولین صعود زمستانی گاشربروم 1 شده بود. این کوهنورد ورزیده همان سال ماکالو را نیز صعود کرد و در شرایط سختی که پیش آمده بود موفق به فرود سالم شد. او همچنین صعود سولو قله خان تنگری را نیز در کارنامه خود دارد

[بزرگان کوهنوردی جهان <دکتر هرلیخ کوفر >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/156)

دکتر کارل هرلیخ کوفر در سال 1916 در شواین فورت آلمان متولد شد.هرلیخ کوفر بیشتر به واسطه سرپرستی های خود در قلل بزرگ آلپ و هیمالیا معروف است . او دوره تحصیلات متوسطه خود را در روزاینهایم به پایان رساند، سپس به مونیخ رفت و به تحصیلات عالیه پرداخت و در سال 1944 دکترای خود را با موفقیت به پایان رساند. دکتر هرلیخ کوفر از سال 1946 در مونیخ به کار طبابت پرداخت   
وی بدلیل کوهنورد بودن برادر ناتنی اش ویلی مرکل که بعدهای در سال 1934 در نانگاپاربات بر اثر سقوط بهمن جان سپرد از جوانی به کوهنوردی روی آورد و از سال 1953 تا پیش از مرگش در سال 1991 ده ها هیئت بزرگ را در اورست و نانگاپاربات رهبری نمود. از آن جمله می توان به نخستین صعود نانگاپاربات توسط هرمان بول در سال 1953، صعود جبهه دیامیر مسیر کینشوفر و نخستین صعود رخ روپال در سال 1970  ، نخستین صعود   K2 از مسیر جدید جنوب غربی   و صعود های متعدد دیگری اشاره نمود.   
هرلیخ کوفر همچنین کتابهای زیادی را نیز از تلاشهایش منتشر کرد که مهمترین آنها با نام نانگاپاربات که شرحی است از تلاش های کوهنوردان از سال 1895 تا 1970 بر روی این کوه در سال 1351 توسط آقای احد سالکی به زبان پارسی ترجمه شد .

[بزرگان کوهنوردی جهان <تونی کیشنوفر >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/155)

تونی کینشوفر در16 فوریه سال 1931 در کشور آلمان چشم به جهان گشود . در سال 1961 در اکسپدیشنی به سرپرستی تونی هایبلر و با همراهی والتر آلمبرگر و آندرل مانهاردت اولین صعود زمستانی از جبهه شمالی آیگر را با موفقیت انجام دادند ، دراین صعود حماسی  شش روزه (6 مارچ تا 12 مارچ) کینشوفر در اکثر مواقع سرطناب تیم بود.ولی صعودی که نام کیشنوفر را برای همیشه جاودانه کرد صعود کیشنوفر و همراهانش به قله نانگاپاربات از مسیر جدید بود .  در 23 جون سال 1962 کینشوفر یکی از سه کوهنورد تیم آلمانی صعود کننده به قله نانگاپاربات از جبهه پرشیب دیامیر بود ، در دومین صعود با سیگی لوو و اندرل مانهاردت آنها  هنگام فرود مجبور به بیواک در ارتفاع 8000 متری شدند ، همنود او لوو سقوط کرد و جان سپرد و کینشوفر و مانهاردت دچار سرمازدگی منجر به قطع انگشتان دست و پا شدند.  بعد از این صعود این مسیر کینشوفر نامیده شد وهنوز یکی از مسیرهای مهم این قله محسوب می شود. در سال 1964 کینشوفر در منطقه بترت نزدیک بادن بادن شهری در ورتمبرگ آلمان هنگام کوهنوردی در جنگل سیاه جان سپرد.

[آلکسی بولوتف](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/145)



 آلکسی بولوتف ، کوهنورد نامی روسی ، متولد ۲۰ ژانویه سال ۱۹۶۳ ،عضو تیم روسی برنده کلنگ طلائی سال ۱۹۹۷ برای نخستین صعود به جبهه غربی ماکالو و نیز کلنگ طلائی سال ۲۰۰۴ برای نخستین صعود به جبهه شمالی ژانو است.

کارنامه درخشان او شامل دوازده قله هشت هزارمتری  (به غیر از نانگاپاربات و لوتسه) ، پوبدا ، تالی ساگار، دنالی و چانتنگری است و اورست را نیز دو بار در سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ صعود کرده . پائیز امسال آلکسی تلاشی تا ارتفاع ۸۳۰۰ متری لوتسه داشته .

آلکسی بولوتف  ساعت 5 صبح روز 15 ماه می در ارتفاع  ۵۶۰۰ متری و در حال فرود ، 300 متر در آبشار خومبو - بالای یخچال خومبو سقوط کرد و جان به جان آفرین تسلیم نمود . علت سقوط پاره شدن طناب بر اثر تماس با لبه تیز سنگ بوده است . قرار بود بولوتف همراه با دنیس اوربکو به شیوه آلپی و بدون اکسیژن مکمل مسیری جدید در رخ جنوب غربی اورست گشایش نمایند.

آلکسی بولوتف ، ۵۰ ساله ، یکی از کوهنوردان برجسته روسیه بود . او نقش کلیدی در گشایش مسیر جدید در رخ غربی  K2  و رخ شمالی ژانو  و نیز نقش کلیدی در اولین صعود لوتسه میانی به ارتفاع ۸۴۱۴ متری داشت.

[سیلویو موندلینی](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/136)



پس از 14 سال تلاش پس از فتح اولین هشت هزاری سیلویو موندلینی  در رده چهاردهمین فاتح هشت هزاری ها قرار گرفت.با صعود برودپیک در روز دوازده جولای دو هزار و هفت سیلویو موندلینی - گنارو- نام خود را به عنوان چهاردهمین فاتح قلل هشت هزار متری دنیا و سومین ایتالیایی که پس از راینولد مسنر و سرجیو مارتینی بر فراز تمامی این قلل می ایستد به ثبت رساند. موندلینی همچنین تمامی 8000 متریها را بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن مصنوعی صعود نموده و از اینرو وی بعنوان ششمین انسان موفق به این امر شده موندلینی متولد سال 1958میباشد وی از 18 سالگی کوه نوردی را با صعود به مونت روزا آغاز نمود و هم اکنون راهنمای کوه نوردی در منطقه آلاگنا والسیسیا می باشد. موندلینی طی سالهای 87 تا 91 تلاشهایی را بر روی قلل مختلف در مناطق هیمالیا و قراقروم و همچنین آمریکای شمالی و قلل آلپ صورت داد. وی صعود به قلل 8000 متری را با فتح ماناسلو در سال 1993 آغاز نمود و به ترتیب توانست این قلل را یکی پس از دیگری پشت سر نهد

 ماناسلو11 اکتبر 1993   
چوآیو 1997   
اورست 23 می 2001   
دائولاگیری 2001   
گاشربروم یک 2001   
گاشربروم دو 2001   
ماکالو 2002   
کانچن چونگا 2003   
کی دو 2004   
نانگاپاربات 2005   
شیشاپانگما 2006   
آناپورنا 2007   
برودپیک 2007   
در این بین صعود به چهار قله هشت هزار متری در سال 2001 از تلاشهای بیاد ماندنی و قابل تحسین موندلینی به شمار می آید از سایر فعالیتهای موندلینی همچنین می توان به تلاش زمستانی وی به همراه تیمی از ایتالیا به سرپرستی سرجیو مارتینی بر روی برودپیک در زمستان دوهزار و سه اشاره نمود

[ایوان والور <کوهنورد ذاتی >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/135)



ایوان والرو کوهنورد شهیر اکوادوری ، دومین کوهنورد امریکای جنوبی است که توانست فاتح 14 قله هشت هزاری شود .

شاید کوهنوردی در خون ایوان وجود داشته چون او در هنگام تولد در ارتفاع 2800متری به دنیا امده .شاید در نگاه اول ترک شغل برای این مهندس الکترونیک امری دشوار به نظر می رسید, اما ایوان سرافرازی نام کشورش را بر همه چیز ارجح دانست و بدنبال صعود قلل 8000 متری راهی هیمالیا گردید.  
برای ایوان هیمالیا با صعود بدون مجوز به قله پوموری آغاز گردید. سپس او موفق به صعود قلل آمادابلام, ماناسلو 1997 و برودپیک 1998 در مدتی کوتاه گردید. اما آن چیزی که زندگی ایوان را متحول کرد فتح اورست به عنوان نخستین کوه نورد اکوادوری بود. صعودی که بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن مصنوعی صورت گرفت. این صعود موجب شد او بتواند برای رسیدن به 14 قله 8000 متری پشتوانه مالی خوبی گردآوری نماید. فتح اورست در 26 می 1999 از مسیر شمالی صورت گرفت. والرو در 31 جولای 2000 نیز کی دو را صعود کرد. او همچنین در 31 می سال 2001 از مسیر جنوبی قله اورست را مجددا صعود کرد. صعود لوتسه در سال 2003 انجام شد, جایی که وی پیشتر در سال 2001 از صعود به آن بازمانده بود. والرو همچنین در صعود سال 2002 خود به کانچن چونگا نیز شکست خورد. او در 6 اکتبر همین سال چوآیو را فتح نمود, والرو در تابستان 2003 قلل گاشربروم یک و دو را فتح نمود, ضمن اینکه در سال2004 ماکالو و شیشاپانگما را صعود کرد او همچنین در سالهای 2005 و 2006 دو تلاش ناموفق را بر روی دائولاگیری سپری کرد, اما در سال 2005 نانگاپاربات و در سال 2006 کانچن چونگا را فتح نمود. وی همچنین در سال 2007 دست به کار بزرگی زد و قلل آناپورنا, برودپیک (دومین صعود) و شیشاپانگما(دومین صعود) را صعود کرد تا با فتح دائولاگیری در بهار 2008 نام خود را به عنوان پانزدهمین فاتح تمامی قلل 8000 متری جهان به ثبت رساند.  
  
برای ایوان با فتح 14 قله 8000 متری کار به اتمام نرسیده, زیرا وی در صدد است با پیمایش دو قطب جنوب و شمال نام خود را به عنوان دومین فاتح گرند اسلم کوه نوردی پس از پارک کره ای به ثبت رساند.

[کریستین استانگل <تیزپای هیمالیا >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/134)



نمی توان در دنیای کوهنوردی از صعود های سرعتی  یاد کرد و نام کریستین استانگل را به یاد نیاورد. کوهنورد نامی اطریشی که با صعودهایش رکوردهای خیره کننده ای از خود به جا گذاشته است .

کریستین استانگل در سال 2008 صعودی را به k2 داشت و تا ارتفاع 8100 متری هم صعود کرد. صعود وی در اول اگوست انجام شد روزی که 11 صعود کننده به این کوه مرتفع تقریبا در همین ارتفاع و در محلی به نام bottleneck یا دهانه بطری به علت شکست یک نقاب برفی كه از ارتفاع تقریبا 8400 متری صورت گرفت، به یک باره مردند و یکی از فجایع تاریخ هیمالیا نوردی را رقم زد.  
اكنون او می خواهد رکورد سرعت برروی k2  از مسیر یال آبروزی را که متعلق به بنت شاموکس می باشد و در سال 1986 با زمان 23 ساعت داشته را بشکند. وی در آن سال از یال آبروزی و از کمپ ABC موفق به این رکورد شده است.

در 25 می 2006 کریستین استانگل کوهنورد اطریشی موفق شده بود بدون کمک کپسول اکسیژن قله [اورست](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=190) را در مدت زمان 16 ساعت و چهل و دو دقیقه از کمپ اصلی پیشرفته در جبهه شمالی صعود نماید. پیش از کریستین در سال 1996 هنس کمرلندر کوهنورد پر توان ایتالیایی توانسته بود از همین مسیر در مدت زمان 17 ساعت قله را فتح نموده و در بازگشت از ارتفاع 7800 متر خود را با اسکی به کمپ اصلی پیشرفته برساند

اما کریستین استانگل که ذاتا کوهنوردی سرعتی است در در ماه آوریل 2006 نیز توانست قله البروز را در مدت زمان 5 ساعت و 18 دقیقه از آزائو با اسکی کوهستان صعود کند. وی پیشتر[کلیمانجارو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=186) را در مدت 5 ساعت و 36 دقیقه از مسیر اومبو و آکانکاگوآ را در 4 ساعت و 25 دقیقه از پلازا دی دمولاس صعود کرده بود  
این کوهنورد پر توان در اکتبر 2005 مسیر 900 کیلومتری آتاکاما را به تنهایی در مدت 34 روز طی کرده بود. در فوریه 2005 نیز کریستین در اقدامی عجیب در آمریکای جنوبی 10 قله بالای شش هزارمتر را تنها در مدت 7 روز صعود کرد  
کریستین بر روی 8000 متریها نیز صعودهای جالبی صورت داده بود به طوریکه در 10 اکتبر نود و هشت [شیشاپانگم](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204)ا را از مسیر جنوبی (راه انگلیسیها) به طور انفرادی در مدت 2.5 روز طی نمود  
وی همچنین [چوآیو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=196) را در سپتامبر 2001 از مسیری نو در جبهه شمالی به سبک آلپی در مدت 3 روز صعود کرده بود  
اما این کوهنورد سریع در پائیز 2006 میز دست به کار عجیبی زد و توانست در مرز آرژانتین و شیلی 3 قله بالای 6000 متر را در مدت زمان 16 ساعت و 16 دقیقه فتح نماید  
کریستین برای هم هوایی قله 6893 متری اوجوس دل سالادو را از بلندترین نقطه کویر آتاکاما در مدت 4 ساعت و 52 دقیقه صعود کرد. در مدت زمانی که وی به استراحت می پرداخت هوا همراه با باد شدید بود و بلافاصله پس از بهبود شرایط وی از کمپ اصلی کوه سروسانفرانسیسکو 6018 متر توانست قله را در 3 ساعت و 15 دقیقه صعود نماید. وی بلافاصله برای صعود دومین کوه شش هزار متری به پائین بازگشت و بلافاصله صعود دوم را آغاز نمود و در زمان طلوع خورشید به قله کوه سرو ویکوناس6067 متر رسید و در ادامه راه از طریق خط الراس به قله میانی بارانکا بلانکا 6119 متر و سپس به قله شرقی کوه 6011 متر و در نهایت به قله مرکزی شش هزار و سی و هفت متر رسید، که آخرین قله کمی دشوارتر از انتظار وی بود. ضمن آنکه باد شدید صبح گاه نیز بسیار وی را آزار داد. بدین شکل با صعود قله مرکزی بارانکا بلانکا وی توانسته بود سومین 6000 متری خود را نیز فتح کند درحالیکه از آغاز صعود تنها 16 ساعت و شانزده دقیقه گذشته بود  
وی در این برنامه تنها کمی خوراکی و ظرف آبش را به همراه داشت. کریستین در آغاز صعود و در تاریکی هوا با کمک [جی پی اس](http://www.kooheghaf.com/persiaView.aspx?id=276)مسیرش را پیدا نمود. ضمن آنکه وی از خشکی هوا و باد شدید بعنوان بزرگترین مشکل صعودش یاد می نماید.

[اندرو لاک <از مرگ جسته هیمالیا >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/133)



اندرو لاك كوه نورد برجسته استرالیایی  ، هجدهمین فاتح قلل هشت هزاری ها ست . او که  در 48 سالگی موفق شد پس از 16 سال تلاش بر روي قلل 8000 متري نام خود را به عنوان هجدهمين فاتح تمامي 8000 متري ها به ثبت رساند.  
اندرو 14 قله 8000 متري را 18 بار فتح كرد كه در اين ميان برخي را دوبار صعود نمود. وي صعودهاي خود را اغلب به صورت مستقل و بدون كمك شرپاي ارتفاع صورت مي داد، ضمن آنكه از اكسيژن كمكي هم استفاده نمي كرد.  
اندرو صعودهاي 8000 متري خود را با كي دوآغاز نمود. او اين قله دشوار را در سال 1993 به همراه آناتولي بوكرايف قزاق صعود كرد و البته در همين صعود بود كه بدليل كمك به كوه نورد حادثه ديده سوئدي نام اندرو بر سر زبانها افتاد. البته اندرو پيش از اينهم سابقه كمك به همنوردانش در ارتفاعات را داشت. وي در سال 1991 در تلاش براي فتح اورست دوبار اقدام به امداد رساني به هم تيمي هاي خود نمود. كه در مورد اول سقوط بهمن و در مورد دوم بيماري هم طنابش او را از فتح قله بازداشت.

لاك بجز همراهي با بوكرايف در صعود به قله كي دو با كوه نوردان بزرگ ديگري نيز هم سفر شده بود، نظير: گوران گورپ سوئدي در صعود به قله برودپيك در سال 94، داگ اسكات و ويتك كورتيكا در صعود از يال ماژنوي نانگاپاربات در سال 95 همچنين صعود سال 2007 به آناپورنا به همراه اينوكي اوكوچاي استراليائي و ايوان والروي اكوادور.  
البته اندرو لاك براي رسيدن به عنوان هجدهمين فاتح قلل 8000 متري راه دشواري را طي نمود. وي از بهمنهاي زيادي گريخت، بارها از خطر سقوط در شكافهاي يخي جان به در برد، چندين بار دچار سرمازدگي شد و البته در مواردي بدون در اختيار داشتن لوازم كافي مجبور به بيتوته در ارتفاعات بلند شد.  
اما شايد براي اندرو دشوارترين صعودها مربوط به شيشاپانگما بود جايي كه او در دو تلاش خود تنها به قله مركزي رسيده بود و در پائيز 2009 مجبور شد براي سومين بار به آنجا برود و البته اينبار با صعود به قله اصلي آمار 8000 متريهاي خود را به عدد 14 برساند.  
اندرو هم اكنون به عنوان راهنماي طبيعت گردي و عضو تيم هاي اكتشافي قطب جنوب فعاليت مي كند.  
  
با هم صعودهاي موفق او بر روي قلل 8000 متري را مرور مي كنيم:  
1993 كي دو  
1997 دائولاگيري  
1997 برودپيك - صعود انفرادي  
1998 نانگاپاربات  
1999 گاشربروم يك  
1999 گاشربروم دو - به صورت آلپي  
2000 اورست  
2002 ماناسلو  
2002 لوتسه - صعود آزاد (در اين روز 6 تن از اعضاي تيم ايران به همراه سه كوه نورد كره اي و سه شرپا نيز قله لوتسه را صعود كردند)  
2003 شيشاپانگماي مركزي - صعود آزاد  
2004 اورست  
2004 چوآيو  
2005 چوآيو  
2005 شيشاپانگماي مركزي  
2006 كانچن چونگا  
2007 آناپورنا  
2008 ماكالو  
2009 شيشاپانگما - صعود به قله اصلي  
  
اندرو پس از بازگشت از شيشاپانگما به كمپ اصلي در پاسخ به اين پرسش كه چه احساسي از پايان صعودهايش به 8000 متريها دارد گفت:  
امروز خيلي خوشحالم كه اين پروژه به پايان رسيده هر چند بسيار خسته ام!

[جرج مالوری](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/129)



جرج هربرت مالوری(۱۸ژوئن ۱۸۸۶ تا ۸ ژوئن ۱۹۲۴) کوهنوردی انگلیسی بود که برای اولین بار در دهه ۱۹۲۰ میلادی از سوی کشور انگلستان برای فتح قله اورست اقدام نمود.

او سه بار به صعود اقدام کرد اما در مرتبه سوم به همراه [اندرو ایروین](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%B1%D9%88_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D9%88%DB%8C%D9%86) در مکانی نامعلوم در قسمتهای فوقانی تیغهً شرقی کوه اورست ناپدید گردید. مشخص نیست که ناپدید شدن او بعد یا قبل از رسیدن به نوک قله اورست بوده است اما آخرین بار وی و همراهش تنها در فاصله چند صد متری قله مشاهده شده بودند. این کار او اولین تلاش انسان برای فتح قلهً اورست محسوب می‌گردد.

سرنوشت مالوری برای ۷۵ سال نا مشخص بود تا اینکه نهایتا بدن یخ زده اش در سال ۱۹۹۹ کشف گردید با این حال تا کنون مشخص نشده است که آیا او موفق به فتح قله اورست شده بود یا خیر.

جمله مشهوری درباره مالوری وجود دارد.یک بار از او پرسیده بودند "چرا شما می خواهید اورست را فتح کنید؟" که او پاسخ داده بود "برای اینکه آنجا است"! این چهار کلمه مشهورترین کلمات بین کوهنوردان هستند. البته اخیرا درباره اینکه آیا این کلمات گفتهً خود مالوری بوده یا اینکه زادهً خیال پردازی یکی از روزنامه نگاران آن زمان بوده شک و شبهه بوجود آمده است.

برادر مالوری نیز مانند خود او در حادثهً کوهنوردی در کوه‌های آلپ فرانسه در گذشت.

[ماسیج بربکا](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/123)



ماسیج بربکا عضو باشگاه زاکوپان، نخستین فاتح زمستانی چوآیو در ۱۲ فوریه ۱۹۸۵ و ماناسلو در ۱۲ ژانویه ۱۹۸۴ و دارنده ۳ مسیر نو بر روی ۸۰۰۰ متریها دیگر هدایت کننده آخرین صعود زندگی خود در هیمالیا بود . صعود زمستانی قله برود پیک که تا کنون صعود نشده باقی مانده بود .

بربکا بازمانده بهترین کوهنوردان نسل قبل هیمالیا هم چون جرزی کوکوشکا و آندری چوک بود . گروهی از قدرتمند ترین کوهنوردان زمستانی جهان .

 او در این صعود همراه با سه هم نورد خود موفق به صعود قله شد ند ولی متاسفانه در راه بازگشت او هم نوردش توماس کوالوسکی ناپدید شدند  بربکا در زمستان سال ۱۹۸۸ ودر سن ۲۳ سالگی برودپیک را تا ارتفاع ۸۰۲۷ متری صعود کرد.

 ارتفاعی که سالها بالاترین نقطه صعود یک ۸۰۰۰ متری در زمستان به شمار می رفت

[گرلیند کالتنبرونر اولین بانوی فاتح هر 14 قله 8000 متری بدون اکسیژن](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/121)



گرلیند کالتنبرونر بانوی کوهنورد اتریشی  توانست در تابستان 2012بر فراز قله سرسخت K2 بایستد و نوان اولین زن فاتح 14 قله هشت هزاری بدون اکسیژن را یه خود اختصاص دهد . این کوهنورد ۴۱ ساله اتریشی که متولد ۱۹۷۰ میباشد اولین کوهنورد زن جهان می باشد که هر ۱۴ قله بالای ۸۰۰۰ متری جهان را بدون اکسیژن صعود میکند. گرلیند در این صعود تنها نبود و کوهنوردانی از کشورهای قزاقستان و لهستان همراه او بودند. مقصود ژومایف و واسیلی پیوتسوف هر دو از قزاقستان که هر دو دارای صعودهای متعددی (بالای ۱۰ صعود بدون اکسیژن) به قلل بالای ۸۰۰۰ متری میباشند و دارک زالوسکی از لهستان نیز توانستند به همراه او بر فراز این قله بایستند.

[موریس هرزوگ <اولین فاتح هشت هزاری جهان >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/120)



موریس هرزوگ ، کوهنورد ، عضو نیروی مقاومت فرانسه ، وزیر ورزش ژنرال دوگل سرانجام در سن 93 سالگی به زمین مادر پیوست . او به اتفاق همنوردش لوییس لاشنال ، اولین انسانهایی بودند که اولین صعود یک قله 8000 متری را به ثبت رساندند . آنها ساعت 2 بعداز ظهر روز 3 جون 1950 بر فراز قله آناپورنا ایستادند ؛ در آن روز ، این خبر سر تیتر اخبار جهان ، و موریس هرزوگ قهرمان کشور فرانسه شد .

موریس هرزوگ ، در پایان جنگ جهانی اول ، 15 ژانویه 1919 در شهر لیون فرانسه به دنیا آمد و 14 دسامبر 2012 در گذشت . او عضو نیروی مقاومت فرانسه در خلال جنگ جهانی دوم ، وزیر ورزش دولت ژنرال دوگل ، از سال 1968 تا سال 1977 شهر دار شامونی ( شهری در پای مون بلان و معروف به پایتخت کوهنوردی جهان ) ، و از سال 1970 تا سال 1995 عضو کمیته بین المللی المپیک IOC و از آن پس عضو افتخاری این کمیته بود . اما مهم تر از همه ی اینها ، موریس هرزوگ سمبول کوهنوردان جهان بود و کوهنوردی را در سطح یک تلاش حماسی ارتقا داد .

موریس هرزوگ ، این مرد کوه و سیاست ، روحیه ای بسیار رومانتیک و دراماتیک داشت . کتاب او با عنوان "آنا پورنا اولین 8000" ، "Annapurna Premier 8000" ، هنوز هم پرتیراژترین کتاب در ادبیات کوهنوردی جهان است . این کتاب به 40 زبان ترجمه شده و میلیون ها نسخه از آن به فروش رسیده است .

[ژان کریستوف لافائل](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/118)

 لافائل متولد سی و یک مارس هزارو نهصد و شصت و پنج سنگنوردی را از سن شش هفت سالگی آغاز نمود و در نوجوانی به کوهنوردی روی آورد. وی در جوانی صعود به مسیرهای افسانه ای آلپ را آغاز نمود و در کنار آن یخ نوردی و امداد در آلپ و همینطور صعود از مسیرهای جدید را نیز پی گرفت. در سال نود وی بعنوان راهنمای ارتفاعات در شامونی کار خود را آغاز کرد صعود مسیر بسیار دشوار پیشگویی آسمانی بر روی برج فرشته در منطقه مون بلان در سال هزار و نهصد و نود ، گشایش دو مسیر دشوار در جبهه ایتالیائیهای مون بلان در سال نود و یک که منجر به کسب جایزه کریستال طلایی از سوی فدراسیون کوهنوردی فرانسه گردید. صعود انفرادی و گشایش مسیری جدید در جبهه شمالی "گراندژوراس" در زمستان نود ویک که مقدمه همراهی وی با پیربگین بود، از جمله کارهای شاخص لافائل پیش از آناپورنا به شمار می رفت.

در پائیز 1992 به دعوت پیربگین بعنوان هم طناب، راهی آناپورنا شد تا به اتفاق بر روی مسیری جدید بر روی دیواره جنوبی این کوه تلاش نمایند[آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) دهمین کوه مرتفع دنیا با 8091 متر ارتفاع به شمار می رود. این کوه برای فرانسویها جنبه حماسی دارد، که باز می گردد به اولین صعود موریس هرزوک و لوئیس لشنال کوهنوردان بزرگ فرانسوی در3 ژوئن 1953 بر روی آن، این صعود نخستین صعود یک گروه کوهنورد به قله یک کوه هشت هزار متری به شمار می رفت. امری که بدلیل دستیابی به قله کوه، از سوی فرانسویها حتی برتر از تلاش گروه انگلیسی در سال 1924 در جبهه شمالی [اورست](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=190) که منجر به صعود نورتون تا ارتفاع هشت هزار و پانصد و هفتاد متر و همچنین تلاشهای متعدد آلمانها در دهه 30 میلادی بر روی [نانگاپاربات](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=199) شمرده می شد.اما جبهه جنوبی آناپورنا نیز در سال 1970 بعنوان نخستین دیواره یکی از قلل مرتفع 8000 متری توسط یک گروه انگلیسی به سرپرستی کریس بانینگتون صعود شده بود و این بر شهرت آناپورنا بعنوان یک هشت هزار متری می افزودپیربگین و لافائل در پائیز 92 به قصد صعود این دیواره از مسیری جدید راهی [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) شدند. در اواسط صعود و در ارتفاع 7500 متر آنها بدلیل طوفان متوقف شده تصمیم به بازگشت گرفتند، در روز 11 اکتبر زمانی که پیر در حال فرود از طناب بود ناگهان صخره ای که کارگاه به آن متصل بود فرو ریخت و او را در فضای لایتناهی دیواره جنوبی به کام مرگ برد. لافائل آلپینیست جوان ولی با تجربه فرانسوی مدت 5 روز بدون کمک ابزار فنی برای بازگشت از جبهه دشوار جنوبی تلاش نمود. حتی گروهی از کوهنوردان اسپانیایی مستقر در آناپورنا هم پس از مشاهده کوهنوردی که به تنهایی برای بازگشت تلاش می کند به کمک وی شتافتند اما با سقوط بهمن مواجه شده و از ادامه مسیر منصرف شدند. لافائل پس از این تلاش بواسطه دشواری مسیر با دست شکسته به کمپ اصلی بازگشت.

اما برغم کشته شدن پیربگین، لافائل نوید تولد کوهنوردی دیگر در فرانسه و هیمالیا را می داد

دوران نقاهت برای لافائل مدت زیادی طول نکشید زیرا تب صعود به قلل هیمالیا تنها یکسال او را در خانه نگاه داشت و سال بعد یعنی پائیز نود و سه وی توانست پس از هم هوایی مناسب از مسیر لهستانیها قله 8201 متری [چوآیو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=196) را تنها ظرف یک روز از کمپ اصلی صعود نماید. در این سال وی بعنوان مدرس در مدرسه ملی کوهنوردی و اسکی فرانسه انسا شروع به کار نمود.در بهار 1994 نیز پس از هم هوایی تنها ظرف سه روز[شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204)را از مسیر شمال غربی- مسیر تبتیها- صعود نمود، صعودی که منجر به کسب جایزه کریستال طلایی از فدراسیون کوهنوردی فرانسه گردیددر سال 95 وی به تنهایی توانست در مدت 2 هفته بر روی ده دیواره شمالی قلل آلپ نظیر اوبرلند، والاس و مون بلان، ایگر، ماترهورن و گراندژوراس صعود نماید که بالغ بر 20000 متر سنگنوردی بود. همچنین 140 کیلومتر اسکی کراس کانتری در آلپ و حاصل این ماجراجویی جایزه آی.جی.ان بود.در 1995 وی همچنین تلاش ناکام دیگری را اینبار به شکل انفرادی بر روی جبهه جنوبی[آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) صورت داد، هدف لافائل در این سال صعود از مسیر سال 1970 گروه انگلیسی - بانینگتون- بود. اما وی تنها تا 7500 بالا رفت. هوای خراب او را بار دیگرناچار به بازگشت نمود.در 1996 وی به تنهایی موفق به صعود دو قله گاشربروم [دو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=203) و [یک](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=201) شد. ضمن آنکه صعود [گاشربروم یک](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=201) از مسیر جدید شمال شرقی صورت گرفت. صعود گاشربرومها که به سبک پروانه ای انجام شد - صعود به [گاشربروم دو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=203)وبازگشت به کمپ اصلی و مجددا صعود [گاشربروم یک](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=201)و بازگشت - تنها 7 روز به طول انجامید. در این سال لافائل صاحب اولین فرزند خود ماری شد که حاصل از اولین ازدواج وی بود. در 1997 وی به همراه تیمی تحقیقاتی از ایتالیا توانست از مسیر عادی قله لوتسه 8516 متر چهارمین کوه دنیا را صعود نماید.

در سال 1998 وی علاوه بر صعود قله آکانکاگوآ 6959 متر بلندترین قله آند، باز هم تلاشی ناموفق بر روی دیواره جنوبی[آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) که گویی برای لافائل تبدیل به کوهی تلسم شده بود صورت داد. اینبار هم مسیر بانینگتون به همراه سه نفر از دوستانش . کوهستان پربرف بود و حادثه ای درست در بالای کمپ 1 به وقوع پیوست ، 4 شرپا در دام بهمنی سهمگین گرفتار شدند که یکی از آنها کشته شد. لافائل با خودش عهد کرد دیگر به[آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) باز نگردد، عهدی که چندان دوام نیاورد.در ماه آوریل 1999 وی توانست در مدت 8 روز به تنهایی مسیری جدید را بر روی جبهه شمالی گراندژوراس گشایش نماید. همچنین بعنوان نخستین فرانسوی توانست مسیری نوبنام دریای رویاها را بر روی ال کاپیتان در یوسیمیتی گشایش نماید.در زمستان 2000 وی در سفر به کلورادو ضمن شرکت در مسابقات درای تولینگ، اقدام به صعود چندین مسیر دشوار به همین سبک (درای تولینگ) نمود.

در سال 2000 لافائل توانست از مسیر مستقیم شمال شرقی کوه[ماناسلو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=198) را فتح نماید. این صعود ششمین صعود لافائل به یک قله هشت هزار متری به شمار می رفت.در ماه فوریه دوهزارو یک وی در رخ غربی درو در مدت نه روز موفق به گشایش یک مسیر بسیار دشوار و جدید شد. در ماه مارس 2001 و درست در سالروز تولد ژان کریستوف یعنی 31 مارس دومین فرزند لافائل از کتیا همسر دوم او متولد شد.  
در تابستان 2001 وی موفق شد از طریق مسیرمعروف سزن در جبهه جنوبی به همراه هنس کمرلندر کوهنورد معروف ایتالیایی قله کوه کی2 را فتح نماید. صعود لافائل به سرسختترین کوه دنیا تنها 9 روز طول کشید. وی نخستین کوهنورد فرانسوی به شمار میرفت که موفق به صعود [کی2](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=191)از این جبهه می گردید، بدین منظور بار دیگر جایزه کریستال طلایی از سوی فدراسیون کوهنوردی فرانسه به لافائل اعطا شد.

اولین صعود زمستانی برج پیگن از مسیر پلرین و باز هم [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) در سال 2002. لافائل بار دیگر به [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) بازگشت و اینبار به دعوت [اد وسترز](http://www.kooheghaf.com/HeroView.aspx?id=211)کوهنورد معروف آمریکایی. اما اینبار هدف وی دیگر دیواره سرسخت جنوبی نبود بلکه تصمیم گرفت از طریق یال طولانی شرقی به طول 15 کیلومتر قله را صعود کند این مسیر در سال 1984 برای نخستین بار توسط [ارهارد لرتان](http://www.kooheghaf.com/HeroView.aspx?id=148) و نوربرت جاز صعود شده بود و اینبار لافائل به همراه کوهنورد معروف اسپانیایی [آلبرتو اینوراتوگی](http://www.kooheghaf.com/HeroView.aspx?id=209) که سعی در فتح آخرین 8000 متری خود داشت راهی این کوه گردید. این مسیر شامل 5/7 کیلومتر تراورس بالای هفت هزار و پانصد متر می باشد که قله شرقی[آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) هشت هزار و بیست و شش متر، قله مرکزی 8064 متر و قله اصلی 8091 متر را در بر می گیرد. در روز 16می آن دو توانستند در ساعت ده صبح بر فراز قله 8091 متری آناپورنا بایستند.

برای ژان کریستوف این صعود از دشوارترین صعودهایش در هیمالیا بود. او بر تمامی مشکلات روحی خود بر روی آناپورنا فائق آمد و مهمتر از همه اینکه پس از بنیو شامو که در سال 1988 آناپورنا یک را صعود کرده بود بعنوان نخستین کوهنورد فرانسوی قله این کوه را فتح کرد. یعنی پس از 14 سال و باز هم جایزه کریستال طلایی برای او و کاندیداشدن برای کسب جایزه پایلوت دی اور یا کلنگ طلایی - این جایزه به اسکار کوهنوردی معروف است- گرچه این جایزه به آنها تعلق نگرفت و مایک فاولر و پل رامسن از آلمان بخاطر اولین صعود جبهه شمالی سیگونیانگ در چین از دهلیز مرکزی و بازگشت از یال شمالی موفق به کسب آن شدند.

در بهار 2003 لافائل به [دائولاگیری](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=197)هفتمین کوه مرتفع دنیا رفت. وی قصد صعود انفرادی از مسیری جدید بر روی جبهه شمالی این کوه را داشت. لافائل در روز بیست می موفق به فتح کوه در شرایط سخت هوا شد.وی از نپال عازم [نانگاپاربات](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=199) دهمین کوه دنیا در پاکستان شد. همراه او بر روی این کوه کوهنورد معروف ایتالیایی سیمون مورو بود. آنها تا کمپ سوم گرده دیامیر را از مسیری جدید طی نمودند. سپس اد ویسترز که از مسیر معمول به کمپ سه آمده بود ایشان را تا قله همراهی کرد. نانگاپاربات دهمین 8000 متری لافائل بود.پس از نانگاپاربات لافائل عازم [برودپیک](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=202)شد، در این صعود وی را باز هم ادویسترز آمریکایی همراهی می کرد. آنها[برود پیک](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=202) را در مدت 8 روز صعود کردند. پس از صعود به [برودپیک](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=202) لافائل قصد صعود مجددی را بر روی کی 2 داشت اما بدلیل هوای خراب از صعود کوه منصرف شد. لافائل پس از فتح سه قله 8000 متری باز هم کاندیدای کسب کلنگ طلایی شد. اما اینبار هم این جایزه به او تعلق نگرفت و والری بابانوف و کوشیلنکو از روسیه بخاطر صعود برج جنوبی نوپتسه شرقی موفق به کسب آن شدند. با اینحال چیزی از ارزشهای صعودهای او کم نشد.

در پائیز 2004 لافائل مجددا به شیشاپانگما بازگشت و توانست قله اصلی این کوه را از مسیر دشوار اسکاتلندیها (مکینتایر، باکستر و جونز) در جبهه جنوبی در تاریخ 11 دسامبرفتح نماید. وی صعود خود به [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204) را در 11 نوامبر آغاز و پس از فتح قله در پانزده دسامبر به پایان رساند. این نخستین صعود زمستانی [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204) از نظر نپالیها به شمار می رفت. البته در روز چهارده ژانویه سیمون مورو و پیوتر موراوسکی کوهنوردان ایتالیایی توانستند شیشاپانگما را فتح نمایند. در اینکه آیا صعود لافائل زمستانی محسوب می گردد در میان اروپائیها اختلاف نظروجود دارد اما نپالیها ماههای دسامبر، ژانویه و فوریه را ماههای فصل زمستان می دانند. آنها برخلاف اروپائیها صعود لافائل را اولین صعود زمستانی شیشاپانگما به حساب می آورند و باز هم کریستال طلایی به لافائل اهدا شد. در صعود به [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204)، لافائل 90 درصد مسیر را به شیوه کاملا آلپی طی کرد و تنها از 300 متر طناب ثابت استفاده نمود که 200 متر آن در ارتفاع 7000 تا 7200 کار گذاشته شد و 100 متر هم بر روی شکافهای ژرف یخچال جنوبی [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204) نصب گردید.مسیر صعود به جبهه جنوبی 2200 متر طول داشته با شیب یخ 80 درجه و شیب ترکیبی مسیر(سنگ و یخ) 55 درجه بود. وی همچنین در میان 6 کاندیدای کسب جایزه کلنگ طلایی برای صعود به [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204) قرار گرفت اما موفق به کسب آن نشد. این جایزه در سال دو هزار و چهار به کوهنوردان روس برای صعود از مسیر جدید به جبهه شمالی ژانو - هفت هزار و هفتصد و ده متر- تعلق گرفت. تیم 11 نفره روسها در مدت 50 روز توانسته بودند ژانو را فتح نماید. گرچه این انتخاب بحثهای زیادی را بوجود آورد و عمده کارشناسان معتقد بودند صعود و فرود 41 ساعته استیوهاوس به کی هفت با ارتفاع 6934 با کوله باری به وزن تنها 4 کیلوگرم بسیار شگفت آور بوده و آنرا به پرواز تشبیه کردند. مسیر صعود استیو هاوس از کمپ اصلی تا قله کی7 حدود 2700 متر با سختی 10/5 در سنگنوردی و صعود شیب 80 درجه یخ بود.درست چند ماه بعد از [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204) لافائل برای صعود به دوازدهمین 8000 متری خود راهی جبهه سخت شمالی ماکالو گردید. مسیری جدید بر روی ماکالو آنهم از سمتی ناشناخته در تبت. تلاش 1 ماهه لافائل برای هم هوایی و صعود از این جبهه وی را به قله کانچونگ تسه (ماکالو دو) با ارتفاع 7680 متر رساند. وی پس از فتح این کوه راهی ماکالو لا(گردنه بین ماکالو و کانچونگ تسه) شد، اما خستگی ناشی از صعود مسیر جدید بر روی کانچونگ تسه و تحلیل قوای جسمانی لافائل را از صعود به قله اصلی [ماکالو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=195) باز داشت و تنها تا ارتفاع 7900 متری مسیر شمال غربی صعود کرد، وی مسیر جدید خود بر روی کانچونگ تسه را بنام همسر وپسرش، "کتیا و تام" نام نهاد. اما ژان کریستوف لافائل برای قرار گرفتن در باشگاه 8000 متریها نیاز به صعود و فتح [ماکالو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=195)، [کانچن چونگا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=192) و اورستداشت. وی 11 کوه 8000 متری را تماما بدون کپسول اکسیژن مصنوعی فتح نموده بود ضمن آنکه اغلب صعودهایش از مسیر جدید و یا در زمستان صورت داده بود. بدین ترتیب پس از مرگ بنیوشامو با سابقه صعود به ده قله هشت هزار متری در سال نود و چهار بر روی کانچن چونگا، لافائل توانست با یازده صعود به هشت هزار متریها امیدهای فرانسویها را برای قرار گرفتن نام کشورشان در باشگاه هشت هزار متریها - کوهنوردانی که تمامی چهارده قله بالای هشت هزار متر را فتح کرده اند- زنده نماید. پس از ناکامی در صعود به [ماکالو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=195) لافائل تصمیم گرفت تا در زمستان دوهزار و پنج به این کوه باز گردد. هدف وی صعود انفرادی از مسیر فرانسویها بود. پیش از این راینولد مسنر کوهنورد ایتالیایی و کریستوف ویلیچکی کوهنورد لهستانی برای فتح ماکالو در زمستان تلاش کرده بودند که با ناکامی مواجه شدن اما لافائل سعی داشت تا از تجربیات خود در صعود زمستانی به [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204) برای فتح زمستانی ماکالو بهره گیرد.پیش از [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=204)صعودهای زمستانی به 8 قله از چهارده قله هشت هزار توسط کوهنوردان لهستانی صورت گرفته بود که نخستین آن اورست در سال هزار و نهصد و هشتاد بود.اما کوه ماکالو با 8463 متر ارتفاع پنجمین کوه مرتفع دنیا به شمار می رود. نخستین صعود کوه از مسیر غربی در سال 1955 توسط فرانسویها به سرپرستی ژان فرانکو صورت گرفت. لیونل تری و ژان کوزی دو کوهنوردی بودند که در روز 15 می بعنوان نخستین انسانها بر فراز این کوه ایستادند. در نخستین صعود انفرادی ماکالو نیز در سال هشتاد جان روسکلی کوهنورد آمریکایی از آخرین کمپ پس از ترک همراهان خود توانست از طریق برج غربی به قله صعود نماید. دو سال بعد، اولین صعود کاملا انفرادی را [جرزی کاکوسکا](http://www.kooheghaf.com/HeroView.aspx?id=146) کوهنورد معروف لهستانی از مسیر شمال غربی صورت داد وی بخش انتهایی مسیر خود را از راهی نو صعود کرد. همچنین پیربگین هموطن فقید لافائل نیز در سال 1989 توانست مسیر جنوبی را به شکل انفرادی صعود نماید.  
لافائل در ماه دسامبر به همراه دو باربر و یک آشپز خود را به کمپ اصلی رساند. وی تلاش زمستانی خود را ازاواخر دسامبرآغاز نمود. زمستان ماکالو همراه بود با بادهای روزانه با سرعت 160 تا 180 کیلومتر بر ساعت و دمای منهای سی و پنج درجه که شدت باد آنرا تا منهای شصت درجه نیز کاهش می داد. وی برای هم هوایی مناسب حدود 1 ماه وقت صرف کرد و در آخرین ارتباط لافائل از طریق تلفن ماهواره در روز پنج شنبه 26 ژانویه از ارتفاع هفت هزار و ششصد متر با همسرش کتیا لافائل در فرانسه صورت گرفت. وی قصد داشت پنج شنبه شب کمپ آخر را به سمت قله ترک نماید.روز سه شنبه 24 ژانویه کمپ اصلی را برای صعود نهایی ترک کرد.هدف لافائل صعود به قله در روز جمعه و بازگشت به کمپ اصلی در روز شنبه بود. تا روز بیست و نه ژانویه هیچ خبری از او مخابره نشد. به مرور امیدها به یاس تبدیل شد. در روز سی ژانویه هلیکوپتر در تلاش برای رفتن به کمپ اصلی ماکالو بدلیل وزش باد شدید ناکام ماند. روز بعد آنها در کمپ اصلی با آشپز و باربرهای لافائل روبرو شدند. تلاش هلیکوپتر امداد در ارتفاع هفت هزار و ششصد متر منتج به یافتن چادر قرمز رنگی بود که گمان می رفت به لافائل تعلق داشته باشد. اما اثری از او نبودگویی لافائل هم به پیربگین پیوسته  است .

[پیر بگین](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/117)

آخرین کوهنورد فرانسه هم مرد؛ این جمله ای بود که نشریه ورتیکال در شماره پائیز نود و دو درست یک ماه پس از مرگ پیربگین در [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) روی جلد خود درج نمود.

پیربگین کوهنورد چهل و یک ساله فرانسوی یکی از بزرگترین کوهنوردان عصر فرانسه بود با سابقه تلاش بر روی اکثر دیواره های سرسخت آلپ و مسیرهای دشوار در هیمالیا از جمله

 هشتاد و یک- جبهه غربی [ماناسلو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=198)

هشتاد و سه- [کانچن چونگا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=192) ناموفق

 هشتادو چهار-[دائولاگیری](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=197)، اولین صعود برج جنوبی به همراه ژان نوئل روشه

هشتاد و هفت- ژانو جبهه شمالی به همراه اریک دی کمپ

 هشتادو نه- [ماکالو](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=195)صعود انفرادی جبهه جنوبی

نود و یک- [کی2](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=191) یال شمال غربی به همراه کریستوف پروفی

 نود و دو- [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/WorldView.aspx?id=200) مسیر جدید در جبهه جنوبی

 پیربگین را در آناپورنا کوهنوردی کم سابقه در هیمالیا و البته پرتوان در آلپ بنام ژان کریستوف لافائل همراهی می کرد وی در آن زمان تنها 25 سال سن داشت.مسیر انها در این صعود دیواره جنوبی اناپورنا که یکی از مخوف ترین مسیر های دیواره دنیا به شمار می رود بود . متاسفانه پیر بر اثر بهمن کشته می شود و لافائل با دسته شکسته پس از سه روز خود را به پایین کوه رساند .

[آلبرتو اینوراتکی](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/114)



برادران اینوراتگی، کوهنوردی را در کوههای پیرنه و سپس در آلپ آغاز کردند و خیلی زود، قدم به هیمالیا گذاشتند؛ در 1991 به ماکالو رفته و سال بعد، اورست را بدون استفاده از کپسول اکسیژن صعود کردند. دو سال بعد در 1994 نیز k2  را (باز هم بدون اکسیژن) صعود کردند. حاصل 9 سال هیمالیا نوردی فلیکس و آلبرتو اینوراتگی تا سال 2000، صعود به 12 قله از 14 قله هشت هزار متری هیمالیا بود. برادران اینوراتگی قصد داشتن بلافاصله پس از گاشربروم 2، عازم گاشربروم 1 شوند، اما سقوط و مرگ فلیکس، باعث حذف این برنامه شد.

 بعد از مرگ تراژیک و دردناک برادر بزرگتر، آلبرتو به اسپانیا برگشت و مدتی کوهنوردی را کنار گذاشت. اما پس از مدتی دوباره پروژه 14 قله را شروع کرد. او سال بعد به هیمالیا برگشت و گاشربروم 1 را صعود کرد. آلبرتو در گاشربروم1، تبر یخ فلیکس را به عنوان آخرین یادگار برادرش بر روی قله گذاشت. او سال بعد نیز آناپورنا را صعود کرد و به عنوان دهمین فاتح تمام هشت هزار متری ها، پنجمین نفری که تمام صعود هایش بدون کپسول اکسیژن بوده و نیز به عنوان جوان ترین عضو این جمع، وارد تالار افتخارات شد.

 در سال 2004، آلبرتو اینوراتگی جایزه ویژه فستیوال فیلم های کوهستان "کندال" را برای فیلم "your Himalaya " برد. او این فیلم را درباره برادرش "فلیکس" ساخته و به او اهداء کرده بود...

 صعود های فلیکس اینوراتگی:

 ماکالو:           8464 متر، 30/09/91

اورست:         8850 متر، 25/09/92

K2:               8611 متر، 26/05/94

چوآیو،            8201 متر، 11/09/95

لوتسه:          8516 متر، 27/09/95

کانچن چونگا:  8586 متر، 06/05/96

شیشاپانگما:  8013 متر، 11/10/96

برود پیک:       8047 متر، 13/07/97

دائولاگیری:     8167 متر، 22/05/98

نانگاپاربات:     8107 متر، 29/07/99

ماناسلو:        8163 متر، 25/04/2000

گاشربروم 2:   8035 متر، 28/07/2000

[کریس بانینگتون](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/112)



سرکریس بانینگتون در 6 آگوست 1934 در همپستد انگلستان متولد شد. وی را می توان بعنوان یکی از آگاهترین کوه نوردان دنیا و بی شک از جمله موفقترین سرپرستان برنامه های فنی در هیمالیا به شمار آورد. سرپرستی در صعود به دیواره جنوبی آناپورنا در ابتدای دهه هفتاد میلادی و سرپرستی تیم صعود به دیواره جنوب غربی اورست دی نیمه دهه هفتاد از جمله بزرگترین کارهایی به شمار می آید که او صورت داد و تاثیر عظیمی در شکل گیری کوه نوردی فنی در هیمالیا داشت. بانینگتون در حدود 90 بار بر روی قلل هیمالیا بعنوان کوه نورد یا سرپرست صعود، فعالیت کرد و با طراحی و اجرای بیش از 20 صعود بر روی قلل دست نخورده هیمالیا طی 4 دهه پایانی قرن بیستم همواره در راس اخبار کوه نوردی قرار داشت. از جمله کارهای وی می توان به صعودش به اگری به همراه داگ اسکات در سال 1978 اشاره کرده که پس از بیست بار تلاش تنها در سال 2002 تکرار گردید. ضمن آنکه طی سالهای گذشته بارها در پستهایی همچون ریاست اتحادیه کوه نوردی انگلستان، ریاست پارک ملی انگلستان و ریاست شرکت معتبر برگهاوس، ریاست دانشگاه لنکستر و ...... به جامعه کوه نوردی خدمت کرد. او تعداد 14 کتاب در زمینه کوهها و صعودهایش به رشته تحریر در آورد، مقالات زیادی در نشریات ارائه نمود و در محافل کوهنوردی در اقصا نقاط دنیا حضور یافت و در برنامه های تلویزیونی بسیاری شرکت کرد. وی در ازای خدماتش موفق به کسب مدال انجمن سلطنتی جغرافیا انگلستان شد، در سال 1976 لقب سر را از ملکه دریافت نمود و در سال 1996 به عنوان شوالیه مفتخر گردید. وی همچنان به کوه نوردی جدی و طراحی برنامه های فنی می پردازد و از آخرین کارهایش می توان به صعود قلل فتح نشده هیمالیا اشاره نمود، از جمله طراحی صعود سال 2003 به رشته کوه کولو در هیمالیای هند.

بانینگتون را می توان فردی ورای یک کوه نورد، نویسنده و سخنران دانست. وی هم اکنون بعنوان یکی از طراحان سیاستهای تجاری در انگلستان محسوب می شود. وی هم اکنون به همراه همسرش وندی در شمال انگلستان ساکن می باشد.

بانینگتون نخستین بار در بهار سال 1951 با صعود مسیر تنوره سیاه در صخره های هریسون کوه نوردی را آغاز نمود و بعدها به موفقیتهای زیر دست یافت:

1960 نخستین صعود آناپورنا ii به ارتفاع 7937 متر در نپال

1961 دومین صعود نوپتسه 7879 متر نپال

1961 اولین صعود برج مرکزی فرنی، مون بلان فرانسه

1961 اولین صعود یک انگلیسی به دیواره آیگر در سوئیس

1961 نخستین صعود برج مرکزی پائن در پاتاگونیا

1970 سرپرست صعود به دیواره جنوبی آناپورنا

1972 سرپرست صعود دیواره جنوب غربی اورست (صعود تا 8300 متر)

1973 نخستین صعود قله براماه 6411 متر در کشمیر هند

1974 نخستین صعود چانگابانگ 6864 متار در هیمالیای گاروال، هند

1975 سرپرستی نخستین صعود دیواره جنوب غربی اورست

1975 نخستین صعود قله اگری 7284 متر در پاکستان

1975 سرپرستی تیم انگلستان در صعود به جبهه غربی کی 2، پاکستان

1980 سرپرستی نخستین صعود به قله کونگور 7700 متر در کولان شان، چین

1982 سرپرستی تیم انگلستان در صعود جبهه شمالی اورست

1983 نخستین صعود قله غربی شولینگ 6501، گانگوتری، هند

1983 نخستین انگلیسی فاتح  کوه وینسن 4897

1985 صعود قله اورست به همراه تیمی از کوه نوردان نروژ

[آنگ ریتا ست](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/110)



کمتر کسی را می توان در نپال یافت که او را نشناسد، صحبت از آنگ ریتا ست، کوهنورد بزرگی که توانست طی سالهای 1993 تا 1996 ده بار [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190) را بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن صعود نماید. آنگ ریتا در 1949 در منطقه سولوخمبو در کشور نپال متولد شد. او تنها فرزند یک زوج روستایی بود، یالاها شرپا و چوهکیت. او در سال 1970 با کانچی ازدواج کرد که سه پسر و یک دختر حاصل این ازدواج بود. او در 15 سالگی با حرفه چرای یاک و باربری برای گردشگران پا به دامنه های [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190) نهاد. همچنین در فصول دیگر سال به خرید و فروش کالا میان تبت و منطقه خود مبادرت می کرد. آنگ ریتا اولین بار در سال 1983 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190) را فتح نمود. این موفقیت در سالهای 84 و 85 نیز تکرار شد.

در 1988 وی دو بار توانست قله را فتح نماید که البته یک بار آن در زمستان بود. این پیروزی ها طی سالهای 90، 92، 93، 95 و 96 نیز تکرار گردید.این صعودها تماما بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن مصنوعی انجام شد، البته در میان شرپاها این شایعه وجود داشت که او شب قبل از صعود در چادرش از ماسک اکسیژن استفاده می نماید. اما آنگ ریتا تمام این شایعات را تکذیب می نمود.جالب انکه نخستین تجربه صعود یک 8000 متری برای آنگ ریتا در زمستان 1980 به همراه تیمی از اسپانیا و بر روی [دائولاگیری](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=197) حادث شد. در این صعود از او به عنوان باربری کم تجربه بهره گرفته شد. اما آنگ ریتا توانست بدون استفاده از کفشهای حرفه ای کوهنوردی و بدون آشنایی با لوازم فنی کوهنوردی تا کمپ 3 بار حمل نماید. کوهنوردان خارجی او را یک کوهنورد مادرزاد می دانستند و در این راه تشویقش نمودند. زمانیکه او به سردار تیمش برای نداشتن تجهیزات و عدم همراهی تیم بالاتر از کمپ 3 شکایت نمود، آنها به او پوشاکی را دادند که بخاطر کوچک بودن آنگ ریتا برایش بسیار بزرگ و غیر قابل استفاده بود. پس از این صعود آنگ ریتا تصمیم گرفت کوهنوردی را پیشه خود سازد. با این حال بدلیل تجربه کم در کوهنوردی برغم حضورش در تیمهای بزرگ اعزامی به اورست، سردار تیم هیچگاه به وی اجازه نمی داد از کمپ دوم بالا تر رود.  در 1982 او شرپای تیمی از انگلستان بود و تا کمپ 4 بالا رفت، صعودی که برای همیشه در خاطر آنگ ریتا باقی خواهد ماند. و اینک او تجربه لازم را برای صعود قله در اختیار داشت، تجربه ای که کمک کرد در 7 می 1983 بتواند قله اورست را برای نخستین بار فتح نماید، صعودی که بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن مصنوعی صورت گرفت. او شرپای تیمی از کوهنوردان آلمانی و آمریکایی بود. سرپرستی این تیم برعهده گرهارد لنسر بود.سال بعد آنگ ریتا در پائیز به همراه تیمی از اسلواکی به اورست بازگشت، در این صعود ژوزف دمزان از اعضای تیم هنگام بازگشت از قله کشته شد. آنگ ریتا می گوید: در طول زندگیم حوادث منجر به مرگ زیادی را شاهد بودم، بویژه در کوهستان، اما این راهی است که خودمان برگذیده ایم و از خطرات آن هم آگاهی داریم. در این صعود فرانتیگ کلی سرپرستی اسلواکها را بر عهده داشت. آنها در 15 اکتبر موفق به صعود قله شدند.6 ماه بعد یعنی در 29 آوریل 1985 آنگ ریتا شرپای نخستین هیئت اعزامی کشور نروژ به اورست به سرپرستی آرن نائیس بود. و او در هوایی طوفانی موفق به فتح قله شد. آنگ ریتا آنقدر معروف شده بود که دیگر تنها بعنوان یک باربر ارتفاع به کار گرفته نشود و تیمها سرداری شرپاها را به او واگذار کنند.در طی سالهای 1986 و 7 وی موفق به فتح [چوآیو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=196) به همراه آمریکائیها، [کانچن چونگا](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=192) به همراه تیمی از اسپانیا در زمستان  و ماکالوii به همراه تیمی آلمانی باز در زمستان  گردید و در زمستان 87/88  به همراه کره ایها به اورست بازگشت. در 22 دسامبر آنها قله را فتح کردند (در تقویم نپالی ها ماههای دسامبر، ژانویه و فوریه ماههای فصل زمستان به شمار می آیند). این تنها صعود آنگ ریتا در زمستان به اورست بود و بی شک تنها صعود اورست در زمستان بدون کپسول اکسیژن. او هیچگاه آن شب سخت را از یاد نمی برد زمانی را که به همراه کوهنورد کره ای در بازگشت از قله بدلیل فرا رسیدن شب مجبور به بیتوته در هوای آزاد شدند. البته وی پیش از صعود اورست به همراه کره ایها در زمستان همین سال به همراه کوهنوردان شیلی بر روی [چوآیو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=196) نیز تلاشی ناموفق را سپری کرده بود.ده ماه بعد او مجددا در 10 اکتبر 88 توانست قله را فتح کند و اینبار به همراه تیمی از کوهنوردان کاتالونیا. ششمین صعود اورست وی نیز در 23 دسامبر 1990 به همراه تیمی از ارتش نپال صورت گرفت. در 13 می 1992 وی به همراه اولین تیم کشور شیلی به اورست صعود کرد و یکسال بعد عضو تیمی از کوهنوردان اسپانیا در صعود به قله بود. تنها صعود آنگ ریتا از جبهه شمالی نیز در 13 می 1995 به همراه تیمی از کوهنوردان روسیه صورت گرفت. در نهایت در 23 می 1996 دهمین و آخرین صعود آنگ ریتا به اورست به همراه تیمی از کوهنوردان سوئد که توسط گوران گورپ هدایت می شدند صورت گرفت. آنگ ریتا مدالها و نشانهای زیادی را برای صعودهایش دریافت نموده، که از آن جمله می توان به نشان گورخا dakshinbalu gorkha  و نشان دریشاکپاتاtrishaktipatta اشاره کرد. در نپال او را همچون [تنسینگ نورگی](http://www.kooheghaf.com/heroes.aspx?lang=farsi) ببر برفها خطاب قرار می دهند و عنوان سلطان کوهستان نیز به وی اطلاق می گردد.پس از خداحافظی آنگ ریتا از کوهنوردی اینک دوپسرش یعنی کارسانگ و چوآنگ پا در جای پای او نهاده اند. آنها علاوه بر اورست موفق به صعود [چوآیو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=196) و [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=204) نیز شده اند. آنگ ریتا از آنها به نیکی یاد کرده و به ایشان افتخار می کند.  چوآنگ دورجی فرزند کوچکتر در 1999 به همراه کوهنورد گرجستانی بنو کاشا کاشویلی به قله رسید و سال بعد در 22 می توانست به همراه[سعید طوسی](http://www.everesthistory.com/climbers/toossi.htm) کوهنورد ایرانی مقیم آمریکا قله اورست را فتح نماید. همچنین کارسانگ نامگیال پسر بزرگتر او در سالهای 95، 98 و 99 بر فراز قله ایستاد.

آنگ ریتا هم اکنون صاحب [شرکتی توریستی](http://www.angritaexpedition.com/) است و به جهانگردان و کوهنوردان در بازدید از نقاط دیدنی نپال و صعود به قلل مرتفع یاری می رساند.

[ادورنه پاسابان](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/109)



 ادورن پاسابان لیزاریبار زاده ۱ اوت ۱۹۷۳ کوه‌نورد اسپانیایی اهل باسک است. از ایالت گیپوزکو. در ۱۷ می ۲۰۱۰ او عنوان ۲۱مین نفر و نخستین زنی که تمام ۱۴ قله‌ی ۸۰۰۰ متری را صعود کرده است، به‌دست آورد. اولین صعود ۸۰۰۰ متری او ۹ سال پیش از این، در تاریخ ۲۳ می ۲۰۰۱ و بر روی اورست انجام گرفت. در ۱۸ می ۲۰۰۹، او نخستین زنی بود که ۱۲ قله‌ی ۸۰۰۰ متری را صعود کرده است، در ۱۷ آوریل ۲۰۱۰ او آناپورنا را هم به رکوردهای پیشین خود افزود و پس از آن دست به صعود شیشاپانگما زد که چالش او را به پایان برد.

پاسابان نهمین ۸۰۰۰ متری خود را در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۷ به‌همراه کوه‌نورد اتریشی، [گرلیند کالتن‌برونر](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%DA%AF%D8%B1%D9%84%DB%8C%D9%86%D8%AF_%DA%A9%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%B1&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) صعود کرد. اول مه ۱۲۰۰۸، پاسابان [دااولاگیری](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AF%D8%A7%D8%A7%D9%88%D9%84%D8%A7%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) را صعود کرد، و کالتن‌برونر هم دااولاگیری را در همان روز صعود کرد! و ظاهرن رقابتی بین این دو برای کسب عنوان اولین زن ۱۴ تایی درگرفته بود. در ۱۸ مه ۲۰۰۹، پاسابان موفق به صعود [کانگچن‌چونگا](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%DA%A9%D8%A7%D9%86%DA%AF%DA%86%D9%86%E2%80%8C%DA%86%D9%88%D9%86%DA%AF%D8%A7&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) همراه گروهی دیگر شد، خوانیتو اویارزابل و کوه‌نورد لهستانی، بارانوسکا. با این صعود او از [کالتن‌برونر](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%DA%A9%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%B1&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) و [نیو مروا](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%DB%8C%D9%88_%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%A7&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) پیشی گرفت و اولین زنی شد که ۱۲ قله‌ی ۸۰۰۰ متری را صعود کرده است. گرلیند کالتن‌برونر دو روز بعد با صعود [لوتسه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%84%D9%88%D8%AA%D8%B3%D9%87) خود را به پاسابان رساند. نیو مروا پس از آن برای صعود به کانگچن‌چونگا تلاش کرد که به دلیل به خطر افتادن سلامت همسر و هم‌نورد خود «رومانو بنت»، از ادامه‌ی کار منصرف شد. در ۲۷ آوریل ۲۰۱۰ اعلام شد که پاسابان احتمالن عنوان نخستین زن ۱۴ تایی را به بانوی کره‌ای «[اوه اون سون](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D9%88%D9%87_%D8%A7%D9%88%D9%86_%D8%B3%D9%88%D9%86&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF)» واگذار کرده است، پس از آن پاسابان و چند تن دیگر از اهل فن، صعود اوه به کانگچن چونگا را به چالش گرفتند. پس از دیدار و گفتگویی بین پاسابان و [الیزابت هاولی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B2%D8%A7%D8%A8%D8%AA_%D9%87%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C)، خانم هاولی اظهار داشت که صعود اوه در اعلام‌های آینده‌ی او مورد بحث و چون و چرا قرار خواهد گرفت!

۳مه ۲۰۱۰، در کاتماندو، خانم اوه یک گفت‌گوی یک ساعته با الیزابث هاولی در خصوص جزئیات صعود او به کانگچن‌چونگا داشت. هاولی پس از آن به خبرنگاران گفت که صعود خانم اوه به گانگچن چونگا درست است ولی این صعود مورد مناقشه و بحث خواهد بود. او اضافه کرد که صحبت‌هاب اوه کاملن با آنچه پاسابان می‌گوید متفاوت است و من واقعن نمی‌دانم کدام‌یک درست می‌گویند! هاولی پس از آن گفت که اگر تیم اسپانیایی از ادعای خود صرف‌نظر کند، کانگچن چونگا دوباره به عنوان یک صعود موفق برای اوه علامت خواهد خورد. اوه در رد ادعای پاسابان گفت: من می‌دانم که بر اساس ادعای او؛ تعدادی از [شرپاها](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%B1%D9%BE%D8%A7) گفته‌اند که من کانگچن‌چونگا را صعود نکرده‌ام، ولی او هیچ‌گاه نام آن شرپاها را نبرده است! چرا؟

در ۴ مه ۲۰۱۰، پاسابان نام هفت شرپای درگیر در آن صعود را اعلام کرد: داوا اونگ‌چو شرپا، پما چیرینگ شرپا، چهجی نوربو شرپا، داوا سانگ شرپا، اونگ دارچی شرپا، کواومبی شرپا و فوردرچی شرپا. او گفت که پیش از این نام شرپاها را نبرده بود چون آنها هنوز در استخدام تیم کره‌ای بودند. بعدها او عنوان دومین زن صعود کننده‌ی ۱۴ قله‌ی ۸۰۰۰ متری را پذیرفت ولی این پرسش را مطرح کرد که آیا گوه‌نورد کره‌ای واقعن همه‌ی ۱۴ قله را صعود کرده است؟

به‌هرحال، در ۲۹ اوت ۲۰۱۰، اعلام شد که فدراسیون کوه‌نوردی کره، پس از بررسی دلیل و گفته‌های خانم اوه، صعود او به کانگچن‌چونگا را نپذیرفته است، آنها به گفته‌های شرپاها استناد می‌کنند که بر اساس آن خانم اوه به دلیل هوای بد نتوانسته است صعود خود را کامل کند. اوه اون سون پس از آن پذیرفت که ناچار شده است چند متری زیر قله‌ی کانگچن‌چونگا دست از صعود بکشد! و بنابراین سایت مشهور و معتبر اکسپلوررز وب در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ اعلام کرد که ادورن پاسابان نخستین زنی است که ۱۴ قله‌ی ۸۰۰۰ متری جهان را صعود کرده است و این سرانجام جدلی بود که به نفع پاسابان پایان گرفت.

[اد ویستر](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/108)



اد ویستر در 22 جون 1959 در منطقه راکفورد ایالت ایلی نویز آمریکا متولد شد. وی در 1977 جهت ادامه تحصیل در دانشگاه های واشینگتن به این شهر نقل مکان نمود و داستان کوهنوردی او نیز از همین جا با صعود کوه رینر آغاز گشت  و او در 23 سالگی تبدیل به راهنمای اختصاصی این کوه برای کوهنوردان و جهانگردان شد به طوری که در مدتی کوتاه بیش از 180 گروه را بر روی کوههای این منطقه هدایت نمود.

اد ویستر از برجسته ترین کوهنوردان عصر حاضر کشور آمریکا  و البته جهان به شمار می آید. او دوازدهمین فاتح همه 8000 متریها و البته پنجمین فردی است که آنها را بدون کپسول اکسیژن صعود نموده. وی همچنین موفق شده تا قله اورست را 6 بار فتح نماید، که در میان آنها صعود وی به همراه پت آتاناس که بدون کمک باربرهای ارتفاع صورت گرفت از صعودهای شاخص وی به شمار می آید. همچنین می توان صعود سال 1996 اد ویسترز به  [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)از مسیر جنوبی که به همراه تیم فیلمسازی اورست آی مکس صورت گرفت و همزمان شد با فاجعه تاسف بار مرگ کوهنوردانی از تیمهای آمریکایی به سرپرستی اسکات فیشر و نیوزلند به سرپرستی راب هال را بعنوان یکی از صعودهای تلخ وی نام برد. در این فیلم گروه پس از رخداد تلخ توفان مجددا اقدام به صعود قله نمود و اد توانست در 23 می به همراه تاشی تنسینگ فرزند تنسینگ نورگی و یک زن اسپانیایی قله را فتح نماید.اد ویسترز معتقد است علاقمندی وی به صعود قلل هیمالیا از زمانی آغاز شد که دوران نوجوانی را سپری می نمود و با خواندن کتاب آناپورنای موریس هرزوک، جذب این قلل مرتفع گردید. صعود سال 89 به [کانچن چونگا،](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=192)90[اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190) و 92 به [کی2](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=191) او را بعنوان کوهنوردی شاخص در آمریکا معرفی نمود و موجب رشد سریع وی در هیمالیانوردی گردید. خود او می گوید:"صعود به 14 قله 8000 متری خیالی بود که در سال 1994 و پس از دو بار صعود [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)و صعود به [کی 2](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=191)و [کانچن چونگا](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=192) به ذهنم رسید، اما آن را بسیار دور و دست نیافتنی می دیدم.اما 11 سال بعد با صعود قله آناپورنا در سال 2005 در سن 44 سالگی توانست بعنوان دوازدهمین فاتح تمامی 8000 متریها نام خود را جهانی نماید. وی بر روی قله آناپورنا فریاد زد، امروز یکی از دشوارترین و البته هیجان انگیزترین روزهای زندگی من بود. البته ویسترز در سال 2003نیز برای ششمین بار بر [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190) فائق آمد و نامش را برای همیشه بر روی این کوه سترگ جاودانه نمود.

وی می گوید:"زمانیکه راینولد مسنر و پیتر هبلر در سال 1978 برای اولین بار اورست را فتح کردند من دوران نوجوانی را طی می کردم، اما گویی به من الهام شده بود که روزی پا در جای پای آنها خواهم نهاد". و در ساعت 13 روز 8 می سال 1990 زمانیکه وی برای نخستین بار پا بر فراز بام دنیا نهاد گویی همه آرزوهایش محقق شده بود.وی در پاسخ به خبرنگاری که پس از پیروزیش بر 14 قله 8000 متری از او پرسید چرا به آن بالا می روید، گفت: "صعود تنها یک رضایت شخصی است و تماشای زمین از فراز قله ها حسی باورنکردنی است".وی می گوید:"اغلب ما کوهنوردان برای دوری از مرگ، با کوهستان مبارزه می کنیم، ما بدنبال سختی ها بوده و خطر را جستجو می کنیم، اما زندگی را دوست داشته و در مورد آن صحبت می کنیم". و ی همچنین در مورد صعودهای بدون اکسیژن خود می گوید:"کیفیت صعود برایم مهمتر از خود صعود است، برای همین سعی می کنم بدون اکسیژن قلل مرتفع را صعود نمایم".البته عده ای ویسترز را کوهنوردی محافظه کار می دانند. آنها معتقدند، اغلب صعودهای ویسترز پیش از ساعت 14 بوده و اکثرا در شرایط خوب هوایی صورت گرفته، در واقع منتقدین، وی را به عنوان کوهنوردی فاقد ریسک پذیری در کوهستان می شناسند. وی هم اکنون ساکن سیاتل در آمریکا بوده و همچنان به کوهنوردی فنی و هیمالیانوردی علاقمند می باشد.

 صعودهای شاخص اد ویسترز

1987 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)، به همراه اریک سیمونسن- ناموفق

1989 [کانچن چونگا](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=192)

1990[اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)

1991[اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)

1992 [کی دو،](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=191)به همراه اسکات فیشر

1993 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)، صعود انفرادی- ناموفق

1994 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)، راهنمای تیم راب هال

1994 [لوتسه](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=193)

1994 [چوآیو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=196)

1995 [ماکالو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=195)

1995 [گاشربروم دو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=203)

1995 [گاشربروم یک](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=201)

1996 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)، بدون اکسیژن به همراه تیم اورست آی مکس به سرپرستی دیوید بریشرز

1997 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)، به هراه تیم نووا

1997 [برودپیک](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=202)، ناموفق

1999 [ماناسلو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=198)

1999 [دائولاگیری](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=197)

2000 [شیشاپانگما](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=204)

2000 [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=200)- ناموفق

2001 [نانگاپاربات](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=199)- ناموفق

2002 [آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=200)- ناموفق

2003 [نانگاپاربات](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=199)

2003 [برودپیک](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=202)

2004 [اورست](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=190)، در فیلمی برای بازسازی حادثه سال 96 اورست، به کارگردانی استفان دالدری

2005 [چوایو](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=196)- ناموفق، تلاش برای نجات جان فیلمبردار تیم جیمی چاین که به ادم مغزی مبتلا شده بود.

2005[آناپورنا](http://www.kooheghaf.com/worldview.aspx?id=200)

[نیوس مروی](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/107)

نيوس مروي كوه نورد زن ايتاليايي در 17 سپتامبر 1961 در شهر برگامو ديده به جهان گشود. وي در سال 1989 با [رومانو بنت](http://rzarei.blogspot.com/2007/08/1962.html) ديگر كوه نورد ايتاليايي ازدواج و از آن هنگام تمامي صعودهايشان را به اتفاق انجام داده اند.رومانو بنت نيز در سال 1962 در تارويسيو كه از توابع آلپ ايتاليا است ديده به جهان گشود. وي نيز تاكنون به 10 قله 8000 متر پاي نهاده. بنت پيش از صعود سال 2006 به كي دو به همراه همسرش سه بار بر روي اين كوه تلاش نموده بود. وي صعودهاي بيشماري را بر روي كوههاي فني آلپ صورت داده و مسيرهاي زيادي را نيز در اين منطقه گشايش نموده، از تلاشهاي جالب او همچنين مي توان به صعود مسير جديد بر روي باگراتي دو 6450 متر در منطقه هيماليايي گاروال اشاره نمود.

نيوس و بنت تاكنون موفق به صعود قلل نانگاپاربات، چوآيو، گاشربروم يك، گاشربروم دو، برودپيك، لوتسه، دائولاگيري، كي دو، اورست و شيشاپانگماي مركزي گرديده اند. وي عموما صعودهاي خود را به سبك آلپي و بدون كمك كپسول اكسيژن مصنوعي و باربر ارتفاع صورت داده اند. اين زوج كوه نورد عموما در صعودهاي خود تنها و يا با هم طنابشان لوكا ورچي به قلل مختلف سفر نموده اند، ضمن آنكه در برخي صعودها نيز تعدادي از دوستانشان در يك گروه كوچك ايشان را همراهي مي كردند. نبود حاميان مالي بزرگ از ديگر عوامل صعود سبك اين گروه به شمار مي آيند. آنها صعودهاي خود را با تلاش ناموفق بر روي كي دو آغاز كردند و بعد نانگاپاربات را صعود نمودند. آنها چوآيو و شيشاپانگما را 10 ماه بعد از نانگاپاربات صعود كردند. در سال 1996 همزمان با فاجعه كشته شدن اعضاي تيمهاي راب هال و اسكات فيشر در اورست اين زوج ايتاليايي در جبهه شمالي و از مسير مالوري بر روي كوه تلاش ناموفقي داشتند و در سال 2000 تلاش ناموفق ديگري را براي صعود مسير جديد بر روي جبهه شمالي گاشربروم دو صورت دادند. اما در سال 2003 آنها توانستند هر سه قله گاشربروم يك و دو و برودپيك را در كمتر 20 روز صعود نمايند. تبحر در سنگ نوردي و يخ نوردي و تجربيات ايشان به عنوان راهنماي كوه نوردان در آلپ ايتاليا نيز از عوامل موفقيت اين زوج كوه نورد به شمار مي آيد. اين زوج كوه نورد در ميان دوستانشان به راستگويي و درست كرداري مشهورند، آنها دو بار اقدام به صعود دائولاگيري نمودند زيرا صعود نخستشان از سوي عده اي با ترديد همراه شده بود. ايشان در صعود دوم خود براي زدودن هر گونه شبهه اي تمامي طول مسير خط الراس كوه را پيمودند. همچنين در صعود ايشان به شيشاپانگما گرچه سايرين مدعي به صعود آنها به قله اصلي بودند اما خودشان عنوان نمودند به دليل هواي خراب و مه نمي توانستند تشخيص دهند قله اي كه بر روي آن ايستاده اند قله اصلي است يا نه. نيوس مروي در تلاش براي فتح 14 قله 8000 متري دنيا در كنار كوه نورد زن اطريشي گرلين كالنتبرونر و كوه نورد زن اسپانيايي ادورنه پاسابان تلاش و رقابت سختي را پي گرفته.

صعودهاي نيوس مروي و رومانو بنت

1994 كي دو ناموفق

1995 باگراتي دو 6450 مترمسير جديد

1996 اورست ناموفق

1998 نانگاپاربات صعود قله

1999 شيشاپانگما قله مركزي

1999 چوآيو

2000 گاشربروم دو جبهه شمالي تلاش ناموفق براي مسير جديد

2001 قله ماژنو 7120 متر

2003 گاشربروم يك، 19 جولاي

2003 گاشربروم دو، 26 جولاي

2003 برودپيك، 8 آگوست

2004 لوتسه

2004 كي دو ناموفق

2005 دائولاگيري ناموفق

2006 دائولاگيري

2006 آناپورنا ناموفق

2006 كي دو 26 جولاي

2007 اورست 17 مي

[اینوکی اوکاچا دی اولزا](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/106)

 اینوکی اوکوچا دی اولزا در 29 می 1967 در پامپلونای اسپانیا متولد شد. وی در 22 سالگی نخستین تجربه 8000 متری خود را با تلاش ناموفق به کانچن چونگا کسب نمود و تا کنون در حدود 30 تجربه هیمالیا را در کارنامه خود دارد که در میان آنها به 11 قله 8000 متری نیز صعود کرده. اینوکی برای تکمیل کارنامه خود در فتح 8000 متریها تنها کانچن چونگا، دائولاگیری و آناپورنا را در پیش دارد. وی در اکثر سفرهای هیمالیایی خود وظیفه هدایت تیم و عکاسی را نیز بر عهده داشته.

صعود به 8000 متریها

اینوکی در سالهای 93، 2001 و 2004 چوآیو را فتح نمود، ضمن آنکه صعود سال 2004 این کوه در مدت زمان 11 ساعت و 16 دقیقه از کمپ اصلی صورت گرفت.

در 10 جولای 96 وی توانست قله گاشربروم i را فتح کند و در 29 همین ماه بر فراز گاشربروم ii ایستاد. ضمن آنکه این صعود از کمپ اصلی در مدت 30 ساعت صورت گرفت.

اینوکی در سال 98 بر روی لوتسه شکست تلخی را تجربه کرد، وی تنها حدود 20 متر تا قله فاصله داشت اما سرمای زیاد مانع از دستیابیش به قله شد. یک سال بعد یعنی در 21 آوریل 99 او توانست قله لوتسه را نیز به آمار صعودهای خود اضافه کند.

اینوکی در 24 می 2001 نیز قله اورست را صعود کرد. ضمن آنکه در صعودهایش به این کوه در سالهای 97 تا 8500 متر، 2000 تا 8650 متر بالا رفته بود.

اینوکی در 20جون 2003 نانگاپاربات را نیز صعود کرد. در این صعود گرلین کالینبرنر کوهنورد زن اطریشی وی را همراهی می نمود.

وی در 13 جولای 97 و 15 جولای 2003 توانست دوبار برودپیک را فتح کند. در نخستین صعود کارلوس پونر و در دومین تلاش سیمون مورو سرپرستی تیم را بر عهده داشتند.

اینوکی در 16می 2004 ماکالو پنجمین کوه دنیا را صعود کرد و در 28 جولای همین سال بر فراز کی 2 ایستاد.

وی در سال 2006 توانست ماناسلو را در تنها 27 ساعت صعود کند . گرچه اینوکی در سال 99 نیز بر روی این کوه تلاش ناموفقی را تجربه کرده بود.

اینوکی قله شیشاپانگما را هم در مدت زمان 27 ساعت از کمپ اصلی – 15 ساعت کوه نوردی – فتح نمود. این در حالی بود که وی در سال 95 نیز به قله فرعی شیشاپانگما صعود کرده بود.

وی در سال 1990 در حالی که وی تنها 22 سال داشت و نخستین تجربه هیمالیای خود را کسب می کرد توانست تا ارتفاع 8000 متری کانچن چونگا بالا رود،اینوکی در سال 97 نیز در این کوه شکست خورد و تنها توانست تا ارتفاع 8300 متری کوه بالا رود. کانچن چونگا یکی از آخرین اهداف اینوکی برای راهیابی به باشگاه 8000 متریها به شمار می رود.در کنار کانچن چونگا، دائولاگیری دیگر کوهی است که اینوکی یکبار یعنی در تلاش سال 2002 خود به این کوه شکست خورده بود، درآن صعود وی تنها تا ارتفاع 7700 متری کوه بالا رفت ولی خطر سقوط بهمن مانع از فتح قله شد.

چقدر غم انگیز

اینوکی اکوچا دی اولزا سر انجام در 23 می 2008 بر روی کوه آناپورنا کشته شد. آنگ شرینگ شرپا رئیس اتحادیه کوه نوردی نپال این خبر غم انگیز را در حالی منتشر کرد که آنها به دنبال اعزام تیمی برای یافتن اینوکی به ارتفاعات آناپورنا بودند. وی مرگ کوه نورد اسپانیایی را قطعی دانست.اینوکی در حال بر روی آناپورنا کشته شد که این کوه و کانچن چونگا تنها قلل پیش روی وی برای رسیدن به باشگاه 8000 متری ها محسوب می شدند. وی چند هفته قبل توانسته بود با صعود به دائولاگیری خود را کاملا هم هوا نموده و برای صعود انفرادی آناپورنا به این کوه عزیمت نماید. اولی استیک کوه نورد معروف سوئیسی و کولیباسائو دو کوه نوردی بودند که در پی اینوکی بر روی مسیر وی مشغول فعالیت بودند. ایشان عنوان نمودند اینوکی پیش از آنکه گروه نجات بتواند کاری برایش صورت دهد در گذشت. با انتقال جسد اینوکی به کمپ اصلی بالگرد امداد وی را به کاتماند انتقال خواهد داد.

[شانتال مادویی](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/105)

شانتال مادویی کوهنورد قدرتمند فرانسوی، در مارس 1964 در پاریس زاده شد.از سنین نوجوانی به سنگ نوردی علاقه مند شد.اما زمینه های ورزشی مورد علاقه او طیف وسیعی از ورزش های مختلف رو در بر میگرفت.بطوریکه شاید کمتر کسی بتواند از این جهت با وی برابری کند.

در سنگ نوردی و یخ نوردی، دیواره ال کاپیتان، صعود سرعتی دیواره شمالی گراند ژوراس(یک روز از شامونی)، دیواره درو، صعود زمستانی دیواره های کورتیه و دروتیه، و صعود برج های یخی مختلفی در کانادا از افتخارات او بود.

پرواز با پاراگلایدر نیز دیگر ورزش مورد علاقه مادویی بود.وی پس از صعود قلل «هواس کاران 6768 متر» و «اروس 5500 متر» در پرو و «سایاما 6500 متر» در بولیوی با پاراگلایدر از قله فرود آمد و به بارگاه اولیه بازگشت.

وی در رشته قایق رانی نیز دارای تجربیات جالبی بود:دور زدن قطب جنوب (و صعود به قله مونت ویلیامز) و سفر به قطب شمال با قایق بادبانی...

اما دلبستگی اصلی شانتال هیمالیا بود و هدف وی فتح تمام 8000 متری ها بدون کپسول اکسیژن. هرچند وی با فروتنی خود را از بحث های تندی که راجع به کپسول اکسیژن مطرح بود کنار میکشید: هر فردی به طریقی که خواست خود اوست عمل میکند.من دوست دارن هنگام صعود سبک باشم..بدون کپسول اکسیژن. ولی در عین حال برای تمام کسانی که میخواهند در آن بالا نظاره گر خط افق باشند احترام قائل هستم...

مادویی معمولا تنها صعود میکرد و همراه وی فقط راهنما و شرپای همیشگی اش، آنگ شرینگ بود.سال 1998 ایندو راهی دائولاگیری شدند.در حوالی روز های 10 الی 13 ماه می هوای بسیار بدی در منطقه حاکم بود و تمامی تیم ها مجبور به بازگشت به بارگاه های پایین تر شدند.مادویی و شرینگ نیز چادر خود را در کمپ 2 برپا کردند.اما به علت نداشتن بیسیم ارتباطشان با بارگاه اصلی قطع شد و چند روز خبری از آنها نبود.تا اینکه در تاریخ 16 می(27 اردیبهشت) یک تیم ایتالیایی پس از رسیدن به کمپ دوم، چادر آنان را زیر انبوهی برف یافتند.ظاهرا در نیمه شب هنگامی که آن دو در خواب بودند بهمن کوچکی بر روی چادرشان ریخته و باعث مرگ هردونفر شده بود...

شانتال مادویی ارتباط نزدیکی با شرپاها و خانواده هایشان داشت و بیشتر درآمد خود را صرف بهبود وضع زندگی روستاییان نپال میکرد. بعد از مرگش نیز بنیادی با نام وی و بوسیله دوستانش تاسیس شده که در جهت افزایش سطح زندگی فرزندان آنگ شرینگ و دیگر شرپاها فعالیت میکند.

صعود های وی:

 k2:1992

:1993 شیشاپانگما، چوآیو

:1994جبهه شمال شرقی اورست..تا ارتفاع 8100 متری

:1995جبهه جنوبی اورست..صعود تا قله جنوبی 8755 متر

:1996 لوتسه(اولین زن فاتح این قله)، ماناسلو

:1997پوموری 7161 متر، گاشربروم 2

[کالتن بورنر](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/104)



با گذشت بیش از 10 سال از مرگ وندا رتکویچ کوهنورد زن لهستانی، گرلین کالتن برونر کوهنورد زن اطریشی موفق شد با صعود به کانچن چونگا 8586 متر بعنوان نخستین زن کوهنورد به نه کوه 8000 متری دست یابد. کالتن بورنر کوهنورد زن اطریشی در 13 دسامبر 1970 متولد شد. او ساکن منطقه بلک فارست در جنوب غرب آلمان می باشد. کالتن برونر نخستین بار کوهنوردی را به همراه کشیش دهکده خود آغاز کرد. آنها هر یکشنبه پس از پایان مراسم نیایش به کوه می رفتند. او نخستین صعود 8000 متری خود را در سال نود و چهار و درست زمانیکه 23 سال سن داشت با صعود به قله پیشین برودپیک 8005 متر تجربه کرد. در طی 5 سال پس از این صعود کالتن برونر توانست 7 قله 8000 متری دیگرراهم فتح نماید که تمامی این صعودها بدون بهره گیری از اکسیژن مصنوعی بود.

. در این بین می توان به تراورس شیشاپانگما از جبهه جنوبی به شمالی و فتح قله میانی این کوه بعنوان شاخصترین کار کالتن برونر به همراه رالف دوموویتس و هیروتاکا تاکیوچی در سال 2005 اشاره نمود. البته او پیش از این، قله مرکزی شیشاپانگما را نیز در سال دو هزار فتح کرده بود اما این صعود به عنوان صعود قله اصلی منظور نشد و او مجبور شد بار دیگر به شیشاپانگما باز گردداینک کالتنبورنر تنها 5 صعود در پیش دارد تا بعنوان نخستین زن کوهنورد بر روی تمامی 8000 متریها بایستد - اورست، کی2، لوتسه، دائولاگیری، برودپیک.

لازم به ذکر است پیش از این وندارتکویچ کوهنورد توانمند لهستانی توانسته بود با صعود به 8 قله هشت هزار متری بعنوان شاخصترین کوهنورد زن نام خود را در صعود به قلل 8000 متری ثبت نماید. او که از پیشگامان صعود زنان به هشت هزار متریها بود در سال 96 بر روی کانچن چونگا جان خود را از دست داد.

 صعودهای کالین برونر بر روی 8000 متریها  
1994 بروپیک- قله پیشین  
1998 چوآیو 6 می  
2000 قله مرکزی شیشاپانگمابه ارتفاع 8012 متر 7 می  
2001 ماکالو 14 می  
2002ماناسلو 10 می  
2003 نانگاپاربات 20 جولای

2004 آناپورنا 28 می  
2004 گاشربروم یک 25 جولای  
2005 شیشاپانگما 7 می

2005 اورست از مسیر هورنباین تا ارتفاع 7650 متری  
2005 گاشربروم دو 21 جولای  
2006 کانچن چونگا 14 می

2006 لوتسه تا ارتفاع 8400 متر

[ژائو گارسیا](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/103)

ژائو گارسيا متولد 11 جون سال 1967 در ليسبون پايتخت پرتقال است. او در 15 سالگي كوه نوردي را در باشگاه guarda و با ورزش سنگ نوردي آغاز نمود. يكسال بعد و با حضور در آلپ تمرينات سنگ نوردي طبيعي، يخ نوردي و اسكي را نيز فرا گرفت. ضمن آنكه در سال 1984 موفق به صعود قله مون بلان بلندترين قله رشته كوه آلپ گرديد. او بدليل روي آوردن به ورزش سه گانه (تريتالون يا سه گانه متشكل از شنا، دو و ميداني و دوچرخه سواري) استقامت بدني بالايي كسب نمود.

در طي سالهاي 1990 تا 93 بخاطر حضور در نيروي نظامي پرتقال مستقر در بلژيك توانست به آلپها نزديكتر شود و تمرينات مستمري را در كوهستان صورت دهد.

در سال 93 ژائو به همراه تيمي از لهستان به سرپرستي كوه نورد مشهور كريستوف ويليچكي به چوآيو رفت و توانست از مسيري نو قله اين كوه را فتح نمايد. ضمن آنكه در تلاش براي صعود از رخ جنوبي شيشاپانگما ناكام ماند.

در سال 1994 گارسيا به همراه يك تيم بين المللي توانست قله دائولاگيري را صعود كند.

در 1996 تلاش ژائو براي صعود از مسير عادي، كينشوفر به نانگاپاربات بدليل برف زياد ناموفق بود. ضمن آنكه تلاش او براي فتح اورست از جبهه شمالي در سال 97 نيز تنها تا 8200 متر صورت گرفت.

يكسال بعد يعني در 1998 ژائو باز هم به اورست آمد و اينبار از مسير جنوب شرقي ولي بازهم ناكام ماند. اينبار او تا بالكوني در ارتفاع 8500 متري بالا رفت.

اما سرانجام سخت كوشي هاي ژائو گارسيا نتيجه داد و او توانست در سال 1999 از مسير شمالي، بدون استفاده از اكسيژن كمكي اورست را فتح نمايد و عنوان نخستين فاتح پرتقالي اين كوه را به خود اختصاص دهد. در اين صعود و البته در بازگشت از قله گارسيا و همنورد بلژيكيش پاسكال دبرور با هواي خراب مواجه شدند كه متاسفانه پاسكال جان خود را از دست داد و ژائو نيز از ناحيه انگشتان دست و صورت دچار سرمازدگي سختي شد. بدين شكل او بيشتر انگشتان دستش را از دست داد و مدتي را براي درمان در زاراگوزاي اسپانيا بستري شد.

گاشربرو م دو در سال 2001 و گاشربروم يك در سال 2004 توسط اين كوه نورد پرتقالي صعود شد و در سال 2005 او موفق به فتح لوتسه گرديد.

ژائو مي گويد:"پس از اين صعودهاي موفق، بويژه صعود به اورست بود كه توانستم حمايتهاي مالي را براي ادامه صعودهايم كسب نمايم". از اين سال به بعد روند صعودهاي ژائو شدت يافت. بدين شكل در بهار سال 2006 او موفق به صعود كانچن چونگا و شيشاپانگما گرديد. بدين شكل كانچن چونگا در 26 مي به همراه ايوان والروي اكوادري فتح گرديد و او در پائيز توانست شيشاپانگما را صعود كند، هر چند در اين صعود يكي از همراهان خود را بر اثر سقوط از دست داد.

ژائو در تابستان 2007 تيمي را راهي كي دو دومين كوه مرتفع دنيا نمود و موفق شد اين كوه را نيز فتح نمايد.

در بهار 2008 وي ابتدا ماكالو را در 19 مي و در شرايطي كه اغلب تيمها منطقه را ترك كرده بودند و البته در بادي شديد صعود كرد و سپس راهي پاكستان شد و توانست در 18 جولاي برودپيك را صعود كند. گارسيا در سال 2009 نيز به همين شكل عمل كرد و ابتدا در بهار و روز 28 آوريل موفق به فتح ماناسلو شد، سپس به پاكستان رفت و در 10 جولاي قله نانگاپاربات را فتح كرد.

ژائو از حضور و همراهي ايرانيان در ماناسلو و نانگاپاربات به نيكي ياد مي كند و با جمله "سلام عليكم" آنها را به ياد مي آورد. او ضمن اشاره به صعود يك ايراني به ماناسلو (مهدي عميدي) از مشكل ادم قرنيه در يكي ديگر از ايرانيها ميگويد.

وي همچنين از همراهيش با تيم جستجوي ايرانيها در نانگاپاربات به نيكي ياد نمود و گفت:"آنها به سختي تلاش كردند تا ردي از سامان بيابند، اما كوه تمايلي به بازپس دادن سامان نداشت". ژائو مي گويد:" آنها بسيار غمگين بودند و من تنها مي توانستم دلداريشان دهم". او ميگفت:"از خانواده سامان خواستم سعي كنند تا تلخي هاي آن حادثه را به فراموشي بسپارند و براي يادبود سامان اقدام به ساخت پناهگاهي در كوههاي خود كنند تا هرگاه كوه نوردي گام به آن ديار مي گذارد از سامان ياد نمايد".

اما با صعود به نانگاپاربات شمار 8000 متريهاي ژائو گارسيا به عدد 13 رسيد و اينك او تنها آناپورنا را در پيش دارد تا نام خود را به باشگاه 8000 متريها بيافزايد. ژائو همچنين براي ورود به باشگاه فاتحان قلل 7 گانه (مرتفع ترين قلل 7 قاره) تنها كارستن پيراميد در اندونزي را پيش رو دارد.

ژائو تمامي 8000 متريهاي خود را بدون بهره گيري از كپسول اكسيژن مصنوعي فتح نمود و البته خودش به شوخي مي گويد:"براي خريد كپسول اكسيژن پولي نداشتم، پس مجبور شدم اينگونه صعود كنم!"

او همچنين بخشي از هزينه هاي صعودهايش را از طريق تصوير برداري و پخش فتوحاتش تامين مي نمايد. ژائو همچنين اقدام به چاپ و انتشار كتابهايي در زمينه كوه نوردي و صعودهاي خود نموده و كتاب mais altã solidao (بالاترين تنهايي) او با 30 هزار نسخه فروش جزو برترين كتابهاي ورزشي كشورش به شمار مي آيد.

ژائو گارسيا بدليل شهرتش از سوي وزارت بهداشت اين كشور از سال 2006 به عنوان سخنگو در برنامه پيشگيري از ايدز فعاليت نمود. او همچنين به رغم از دست دادن انگشتان دست خود بر اثر سرمازدگي براي ترويج كوه نوردي و سنگ نوردي در سالنهاي ورزشي حاضر شده و دانش آموزان را به اين ورزش مهيج ترغيب مي نمايد.

ژوزف رئيس آلپاين كلاب پورتو مي گويد: "گرچه ژائو به معروفي فوتباليستهاي پرتقالي نيست، اما در اين كشور همچون يك قهرمان ملي از او ياد مي شود".

براي ژائو گارسيا در صعود به آخرين 8000 متريش آناپورنا آرزوي موفقيت مي كنيم.

سر انجام در ساعت 1.30 دقيقه روز 17 آوريل 2010 ژائو گارسيا موفق شد از مسير شمالي آناپورنا به همراه مينگما شرپا قله را فتح نمايد تا نام خود را به عنوان نوزدهمين عضو باشگاه 8000 متري ها به ثبت برساند. ضمن آنكه گارسيا دهمين كوه نوردي است كه بدون بهره گيري از كپسول اكسيژن به اين موفقيت دست ميابد.

[کورت دیمبرگر <فاتح بزرگ >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/101)



کورت دیمبرگر متولد 16 مارس 1932 در اتریش یکی از کوهنوردان بزرگ وهمچنین نویسنده چندین کتاب میباشد.

تا سال 2008 او تنها باقی مانده نسل اولین فاتحان زنده یکی از قله های 8000 متری بود. دستاوردهای او بر روی قله های 8000 متری شامل: برود پیک در 1957(فتح قله برای اولین بار) و دائولاگیری در 1960(فتح قله برای اولین بار) می باشد. همچنین او آخرین شخصی بود که هرمان بول را زنده، قبل از سقوط در شوگولیسا دید. تلاش بول و دیمبرگر برای فتح قله شوگولیسا بدون مجوز صورت گرفت و متعاقب آن دولت پاکستان ورود دیمبرگر را به آن کشور ممنوع کرد.

دیمبرگر یکی از 2 نفز نجات یافته فاجعه کی 2 در سال 1986 بود. در 4آگوست 1986 دیمبرگر و جولی تولیس در ساعات انتهایی روز به قله رسیدند، مدت کوتاهی پس از فرود آنها از قله، تولیس سقوط کرده وکورت را نیز به دنبال خود میکشد، خوشبختانه آنها به هر گونه ای شده با تلاش بسیار از سقوط خود جلوگیری می نمایند ولی مجبور به شب مانی در ارتفاع بالای 8000 متر میشوند. فردای آن روز آنها خود را به کمپ 4 می رسانند ولی طوفان باعث از بین رفتن چادر آنها می شود و مجبور به استفاده مشترک از یک چادر با 6 نفر دیگر می شوند.

متاسفانه در آن شب تولیس در اثر ادم مغزی درگذشت وکورت به همراه ویلی بائر، کوهنورد اتریشی (نفر دوم نجات یافتگان سال 1986 کی 2) به پایین برگشتند. در بازگشت هر 2 کوهنورد دچار سرمازدگی شده و مجبور به قطع اعضای آسیب دیده شدند.

دیمبرگر هنوز در زمینه کوهنوردی فعال است و همراه با دخترش بر روی یک سری پروژه فیلم سازی کار میکند.

[آناتولی بوکریف](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/82)

نیکلایوویچ بوکریف ( ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۸ – ۲۵ دسامبر ۱۹۹۷ ) کوه نورد روسی ( اتحاد جماهیر شوروی/ قزاقستان ) بود که به هفت قله ۸۰۰۰ متری بدون استفاده از اکسیژن صعود کرد.

بوکریف با وجود داشتن مهارت ، در جامعه کوه نوردی بین المللی تا قبل از فصل کوه نوردی بهار ۱۹۹۶ در کوه اورست که دوازده نفر در یکی از بزرگترین فجایع تاریخ کوه نوردی اورست جان دادند ، نسبتا ناشناخته بود. این حوادث در کتاب های پر فروش ” صعود ” بوکریف و ” در هوای رقیق ” جان کراکاور به ترتیب وقوع نقل شد.

 زندگینامه :

 آناتولی بوکریف در ۱۶ ژانویه ۱۹۵۸ در جنوب کوه های اورال در اتحاد جماهیر شوروی بدنیا آمد. پس از اتمام دبیرستان در ۱۹۷۵ ، در دانشگاه آموزشی چلابینسک در Russian SFSR ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۷۹  در رشته فیزیک فارغ التحصیل شد. در همان زمان ، دوره  مربیگری اسکی استقامتی را هم به اتمام رساند.

پس از فارغ التحصیلی ، بوکریف ۲۱ ساله رویای کوه های واقعی را در سر پروراند. بوکریف به آلما آتا ، مرکز جمهوری سوسیالیستی قزاق واقع در یال تین شان مهاجرت کرد. از سال ۱۹۸۵ از تیم مختلط قزاقستان در زمینه کوه نوردی پشتیبانی کرد. در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، تابعیت جمهوری قزاقستان را پذیرفت .

صعودهایی که بوکریف انجام داده است :

 خلاصه ای از برجسته ترین صعود های وی به این قرار است :

۱۹۸۷-قله لنین (۷۱۳۷متر) – اولین صعود انفرادی

۱۹۸۹-۱۵ آوریل :کانچن جونگا (۸۵۵۶ متر ) – مسیر جدید به همراه دومین صعود تیمی هیمالیای شوروی

۳۰ آوریل -۲ می : کانچن جونگا – اولین تراورس چهار قله ۸۰۰۰ متری قلل کانچن جونگا

۱۹۹۰-آوریل : کوه مک کینلی – مسیر خط الراس کاسین -می : کوه مک کینلی – مسیر ریب غربی (West Rib )

1991-10 می : دائولاگیری – مسیر جدید بر روی دیواره غربی به همراه اولین صعود تیمی هیمالیای قزاقستان-۷ اکتبر : کوه اورست – مسیر گرده جنوبی

۱۹۹۳-۱۴ می : کوه مک کینلی ( ۶۱۹۳ متر )-۳۰ جولای : k2 (8611 متر )

۱۹۹۴-۲۹ آوریل : ماکالو ۲ ( ۸۴۶۰ متر )-۱۵ می : ماکالو ( ۸۴۷۶ متر )

۱۹۹۵-۱۷ می : کوه اورست – مسیر خط الراس شمالی-۳۰ ژوئن : قله آبای ( ۴۰۱۰ متر ) – راهنمای رییس جمهور قزاقستان-۸ اکتبر : دائولاگیری ( ۸۱۷۶ متر ) – رکورد سریع ترین صعود ( ۱۷ ساعت و ۱۵ دقیقه )-۸ دسامبر : ماناسلو ( ۸۱۵۶ متر ) – به همراه دومین صعود تیمی هیمالیای قزاقستان

۱۹۹۶-۱۰ می : کوه اورست – مسیر گرده جنوبی-۱۷ می : لوتسه – صعود انفرادی ، رکورد سرعتی-۲۵ سپتامبر : چو اویو ( ۸۲۰۱ متر ) – به همراه سومین صعود تیمی هیمالیای قزاقستان-۹ اکتبر : قله شمالی شیشاپانگما ( ۸۰۰۸ متر )

۱۹۹۷-۲۴ آوریل : کوه اورست ( ۸۸۵۰ متر )-۲۳ می : لوتسه-۷ جولای : برود پیک ( ۸۰۴۷ متر )-۱۴جولای : گاشربروم ۲ ( ۸۰۳۵ متر ) – صعود انفرادی

در زمستان سال ۱۹۹۷ ، بوکریف به همراه سیمون مورو و یک کوه نورد مجرب ایتالیایی در حال تلاش برای صعود به جبهه جنوبی آناپورنای ۱ ( ۸۰۷۸ متر ) بود. دیمیتری سوبولوف ، فیلمبردار قزاق برای مستند سازی این صعود ، همراه آنان بود.

در ۲۵ دسامبر حدود ظهر ، بوکریف و مورو در حال نصب طناب در معبری در ارتفاع تقریبی ۵۷۰۰ متری بودند. ناگهان نقابی از یک یال که از مسیر کوه نوردی قابل رویت نبود فرو ریخت. بهمن ایجاد شده مورو را به پایین کوه پرت کرد و بر اثر آن درست بالای چادرشان در اردوگاه ۱ ( ۵۲۰۰ متر ) فرود آمد. تصادفا ، مورو تقریبا نزدیک بالای واریزه های بهمن قرار گرفته بود و موفق شد پس از چند دقیقه خود را بیرون بکشد. چون مورو نتوانست بوکربف یا سوبولوف را ببیند یا صدای آنان را بشنود ، به اردوگاه اصلی آناپورنا پایین آمد. از آنجا وی را برای جراحی پارگی تاندون های دستش که بر اثر سقوط ایجاد شده بود با بالگرد به کاتماندو انتقال دادند.

خبر حادثه در ۲۶ دسامبر به نیو مکزیکو رسید . لیندا وایلی ، دوست بوکریف ، در ۲۸ دسامبر با هواپیما به نپال رفت . چندین تلاش با بالگرد برای رسیدن به محل وقوع بهمن انجام شد اما هوای نامساعد اواخر دسامبر مانع رسیدن تیم های جستجو به اردوگاه ۱ شد. اندکی امیدواری بود که بوکریف و سوبولوف توانسته باشند به اردوگاه ۱ برسند. اما ، بالاخره در ۳ ژانویه ۱۹۹۸ ، جستجو گران توانستند به اردوگاه ۱ و چادری خالی برسند. پس از آن لیندا وایلی پیام ناراحت کننده ای را از کاتماندو ارسال کرد :

“این پایان کار است … امیدی به زنده پیداکردن او نیست .”

در محل اردوگاه اصلی آناپورنا ، سنگ یادبودی به یاد بوکریف با نقل قولی از او نصب شده است :

 ” کوه ها ورزشگاه هایی نیستند که بلند پروازی ام را در آنجا ارضاء کنم ، بلکه مکان های مقدسی هستند که در آنجا اعمال مذهبی ام را به جا می آورم …  من به این کوه ها می روم همانگونه که انسان ها برای عبادت میروند. از بالای قلل مرتفع آنها گذشته ام را می بینم ، رویای آینده را می بینم و با برائتی غیر معمول ، اجازه دارم حال حاضر را تجربه کنم … در حالیکه چشمانم باز شده و توانم تجدید شده است. در کوه ها خلقت را جشن می گیرم . در هر سفر دوباره متولد می شوم.

[سر ادموند هیلاری <اولین فاتح اورست >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/78)



ادموند هیلاری در خانواده پرسی وال آگوستوس هیلاری و گرترود هیلاری در تواکائو ( جنوب اوکلند) در 20 جولای 1919 متولد شد. پدر بزرگ و مادر بزرگش از ساکنان اولیه جنوب wairoa در نیمه قرن نوزدهم پس از مهاجرت از یورک شایر بودند. هیلاری در مدرسه گرامر اوکلند تحصیل کرد. رفت و برگشت روزانه اش با اتوبوس به مدرسه هر بار بیش از دو ساعت طول می کشید که در طی این مدت به طور مرتب مطالعه می کرد. او  کوچکتر از همسالانش و بسیار خجالتی بود در نتیجه به کتاب هایش و به خیال پردازی هایش از یک زندگی پر از ماجرا پناه می برد.

در 16 سالگی علاقه اش به کوه نوردی در خلال اردوی مدرسه به کوه Ruapehu نمایان شد. او دریافت که از لحاظ بدنی قوی است و استقامت بیشتری نسبت به بسیاری از دوستانی که همراهش راه می رفتند داشت. در سال 1939 اولین کوه نوردی مهمش را انجام داد و به قله کوه الیور در جنوب آلپ صعود کرد.

هیلاری به همراه برادرش رکس به زنبور داری روی آوردند که شغلی تابستانی بود که به این ترتیب می توانست در زمستان ها به کوه نوردی برود.

هیلاری بخشی از سفر اکتشافی بریتانیا به اورست در سال 1951 به سرپرستی اریک شیپتون قبل از پیوستن به تلاش موفق بریتانیا در 1953 بود.

در سال 1952 هیلاری و جورج لو بخشی از تیم بریتانیایی به سرپرستی اریک شیپتون بود که برای صعود به چو اویو تلاش کردند. پس از شکست این اقدام به علت فقدان مسیر از سمت نپال ، هیلاری و لو با عبور از Lhi-la به تبت رفتند و به کمپ دوم قدیمی در سمت شمال رسیدند ، جایی که تمام گروه های اکتشافی قبل از جنگ در آنجا اردو زدندمسیر اورست توسط تبت تحت کنترل چین بسته شده بود و کشور نپال هم هر سال تنها به یک گروه اکتشافی اجازه صعود می داد. یک گروه اکتشافی سویسی ( که در آن  تنزینگ هم شرکت داشت) اقدام به صعود به قله در سال 1952 کردند اما  بر اثر هوای بد با 260 متر فاصله با قله ناکام برگشتند. در خلال سفر 1952 به آلپ ، هیلاری آگاه شد که او و دوستش جورج لو به سفر مصوب 1953 بریتانیا دعوت شده اند که بلافاصله قبول کرد.شیپتون به عنوان سرپرست انتخاب شد اما جای او را به هانت دادند. هیلاری تصمیم به کناره گیری گرفت اما هم هانت و هم شیپتون در مورد ماندن با او صحبت کردند. هیلاری قصد داشت به همراه او صعود کند اما هانت دو تیم را برای حمله انتخاب کرد : تام بوردیلون و چارلز اوانس ؛ و هیلاری و تنزینگ . بنابراین هیلاری تلاش هماهنگی را برای ایجاد یک دوستی کاری با تنزینگ انجام داد.گروه اکتشافی هانت ، به مانند بسیاری از این چنین گروه ها ، تلاشی تیمی بود. لو   آماده سازی جبهه لوتسه را ، جبهه یخی عظیم و شیب دار ، برای کوه نوردی اداره کرد. هیلاری مسیری را از میان یخشار خومبو ( khumbu ) ایجاد کرد. این گروه اکتشافی کمپ اصلی را در مارس 1953 برپا کردند. به علت سرعت کم کار این گروه آخرین کمپ را در South Col در ارتفاع 7900 متری برپا کرد. در 26 ماه می ، بوردیلون و اوانس اقدام به صعود کردند اما به علت از کار افتادن سیستم اکسیژن اوانس بازگشتند. این دو به 100 متری جنوب قله صعود کرده بودند. آنگاه هانت ، به  هیلاری و تنزینگ دستور رفتن به قله را داد.

برف و باد به مدت دو روز این دو را در South Col زمینگیر کرد. آنها در 28 ماه می با حمایت سه نفری لو ، آلفرد گرگوری و آنگ نیما رهسپار شدند. آن دو در 28 ماه می در ارتفاع 8500 متری چادر زدند در حالیکه گروه پشتیبانی شان به ارتفاع پایین کوه برگشتند. صبح روز بعد هیلاری دریافت که پوتین هایش در بیرون از چادر یخ زده اند. او دو ساعت صرف گرم کردن آنها کرد و پس از آن به همراه تنزینگ با داشتن 10 کیلو بار کوله رهسپار صعود نهایی شدند. آخرین بخش دشوار صعود ، 12 متر جبهه صخره ای بود که بعدا " قدمگاه هیلاری " نامگذاری شد. هیلاری راهی را بین دیواره صخره ای و یخ دید و خود را بالا کشید و تنزینگ هم به دنبال او آمد. از آنجا به بعد صعود نسبتا ساده بود. آنها در 30/11 صبح به قله رسیدند. بنابه گفته هیلاری ، " چند ضربه محکم بیشتر با تبر یخ به برف سخت ، و بعد بر روی قله ایستادیم."آنها فقط حدود 15 دقیقه  در قله ماندند. در آنجا به جستجوی مدرکی از گروه اکتشافی پیشتر مالوری پرداختند ، اما موفق نشدند. هیلاری عکس تنزینگ را گرفت ، تنزینگ شکلات هایی را به رسم پیشکش در برف بر جای گذاشت و هیلاری صلیبی را که به او داده بودند در آنجا گذاشت. چون تنزینگ طرز عکس گرفتن با دوربین را بلد نبود هیچ عکسی از هیلاری در آنجا وجود ندارد.

آن دو مجبور بودند به هنگام فرود مراقب باشند چون فهمیدند برف در حال حرکت رد پاهایشان را پوشانده است که این کار را دشوار می کرد. اولین کسی که آنها دیدند لو بود که با سوپی گرم برای استقبال از آنها تا بالا صعود کرده بود." خوب جورج ، ما بالاخره لعنتی را تمام کردیم."- اولین جملات هیلاری به دوست همیشگی اش جورج لو در هنگام برگشت از قله اورست.

اخبار این سفر اکتشافی موفق در روز تاجگذاری ملکه الیزابت دوم به بریتانیا رسید. این گروه از استقبال بین المللی که به هنگام رسیدن به کاتماندو ار آنها به عمل آمد ، متعجب شدند.

انسان دوستی

او تمام عمر خود را وقف کمک به مردم شرپای نپال از طریق صندوق هیمالیا کرد که خود بنیانگذار آن بود و بیشتر وقت و انرژی اش را صرف آن کرده بود. با اقداماتش موفق به ساخت چندین مدرسه و بیمارستان در این منطقه دور افتاده از هیمالیا شد.او رئیس افتخاری بیمارستان بنیاد هیمالیای آمریکا  بود، یک موسسه غیرانتفاعی ایالات متحده که به بهبود اکولوژی و شرایط زیست در هیمالیا کمک می کند.

در 11 ژانویه 2008 هیلاری بر اثر سکته قلبی در بیمارستان اوکلند سیتی در حدود ساعت 9 صبح به وقت محلی نیوزیلند در سن 88 سالگی در گذشت.

[دنیس اوربکو <كوه نورد شجاع از شرق >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/77)



دنيس اوربكو كوه نورد جوان و شجاع روس-قزاق فعاليتهاي خود را از قفقاز آغاز نمود و سپس پاي بر قلل مرتفع پامير، تيان شان و در نهايت هيماليا نهاد.   
اوربكو در 29 جولاي 1973 در شهرNevinnomissk و در كشور روسيه متولد شد، هر چند امروزه در آلماتي قزاقستان و به عنوان شهروند اين كشور سكونت دارد. او به عنوان افسر بخش ورزش در ارتش قزاقستان مشغول خدمت است.   
اوربكو با صعود 5 قله بالاي 7000 متر تيان شان و پامير در مدت 42 روز صاحب نشان ببر برفي گرديد.   
دنيس از سال 2000 گام بر روي 8000 متريها نهاد و خيلي زود به چهره اي جهاني تبديل گرديد. از ميان شاخص ترين صعودهاي اين كوه نورد بزرگ مي توان به گشايش سه مسير نو در برودپيك، ماناسلو و چوآيو نام برد، همچنين صعود زمستان 2009 وي به همراه سيمون موروي ايتاليايي به ماكالو نام او را براي هميشه در كوه نوردي دنيا جاودانه ساخت. فتح چوآيو در 15 مي 2009 پاياني بود بر صعودهاي وي به 14 قله 8000 متري.  
با هم بخشي از صعودهاي اوربكو را مرور مي كنيم:  
24/5/2000 اورست از مسير نرمال جنوبي  
23/5/2001 لوتسه از مسير نرمال جنوبي  
13/8/2001 گاشربرومI از دهليز ژاپنيها  
20/80/2001 گاشربرومII از مسير نرمال، صعود سرعتي از 5800 تاقله در مدت 7/5 ساعت و بازگشت در مدت 4 ساعت  
13/5/2002 كانچن چونگا از مسير نرمال جنوب غربي  
25/10/2002 شيشاپانگما  
17/6/2003 نانگاپاربات از مسيرعادي كينشوفر  
18/7/2003 برودپيك از مسير عادي  
5/2004 آناپورنا صعود شبانه  
25/7/2005 برودپيك نخستين صعود رخ جنوب غربي به همراه سرگي ساموئيلف به سبك آلپي  
25/4/2006 ماناسلو از مسير عادي   
8/5/2006 ماناسلو از مسير جديد  
2/5/2007 دائولاگيري مسير عادي  
2/10/2007 [كي دو مسير ژاپني ها در رخ شمال غربي به همراه ساموئيلوف](http://rzarei.blogspot.com/2007/10/blog-post_03.html)  
12/5/2008 ماكالو  
9/2/2009 ماكالو اولين صعود زمستاني به همراه سيمون مورو  
15/5/2009 چوآيو مسير جديد  
اوربكو هم اكنون به عنوان مدرس ورزش كوه نوردي، هنرپيشه و عكاس فعاليت مي كند.  
وي 4 بار عنوان برترين كوه نورد قزاقستان را به خود اختصاص داده.  
اوربكو در 14 سپتامبر 2006 موفق شد قله البروز را در مدت 3 ساعت و 55 دقيقه و 58 ثانيه صعود نمايد و ركورد سريعترين صعود اين كوه را به خود اختصاص دهد.   
اوربكو از ميان 1500 صعودي كه تاكنون انجام داده علاوه بر 14 قله 8000 متري 5 قله 6000 متر و 10 قله 7000 متر را نيز فتح نمود

[سیمون مورو <جوانمرد هیمالیا >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/76)



     تاریخ تولد: 27 اکتبر 1967  
از حدود 20 سال پیش که سیمون مورو فعالیت کوهنوردی خود را در آلپ ایتالیاآغاز کرده، اشتیاق او به سفر و اکتشاف و چالشهای جدید، او را به دورترین نقاط کره خاکی مان کشانده است: از پاتاگونیا تا روسیه و از آلپ تا هیمالیا. کوهنوردی سیمون در سال 1980 از صخره های دولومیتی ایتالیا به عنوان زمین بازی او شروع شد. او درسالهای بعد مسیرهایی را تا درجه سختی 8a, ۸b)) را با موفقیت صعود کرد. او اکنون هم نیزمسیرهای فوقالعاده مشکل را روی سنگ (8a,۸b) و مسیر میکس (M9) صعود می کند. در اکتبر199۲ به عنوان اولین سفر خارج از اروپای خود در تیم اورست شرکت نمود.  اولین تجربه خود را در هيماليا در 7400 متری به پایان برد بدون اینکه پیشنهاد و فرصت خوبی برای قله داشته باشد. به هر حال این آغاز سفرهای بین المللی او بود. سیمون همچنان رویای عبور از اورست – لوتسه را که از طریق قله جنوبی به هم وصل می شوند در سر می پروراند. آخرین تلاش او در بهار سال2001 بانجات موفقیت آمیز یک کوهنورد انگلیسی در لوتسه پایان یافت. به دلیل انجام این عمل معنوی حقیقی کوهنوردی، باشگاه آمریکن آلپاین در فوریه2002 جایزه یادبود دیوید ا. ساولز را به سیمون اعطاءکرد. همچنین در ژانویه 2003 به خاطر شرافت اجتماعی و روح مشارکت مثال زدنی اش برای نجات موفقیت آمیز، نشان طلای ارزش اجتماعی را از رئیس جمهورایتالیا یعنی کارلو آزلیو کیامپی دریافت کرد. درپاریس نیز برنده "جایزه بین المللی جوانمردی Pierre de Coubertin" شد.در روز جمعه 14 ژانویه 2005 سیمون مورو به همراه کوهنورد لهستانی پیوترمورافسکی  به قله اصلی 8027 متری شیشاپانگما دست یافت.این صعود اولین صعود زمستانی  شيشاپانگما بود.همچنین اولین بار بود که یک کوهنوردایتالیائی موفق به انجام صعــود زمستانی بر روی قله 8000 متری می شد.وی اخیراً  نخستین کتاب خود را به چاپ رسانید که این کتاب داستان هیئت زمستانی شومآناپورنا در سال 1997  را بازگو می کند که در طی آن، همنوردش آناتولی بوکریف جان خود را از دست داد در حالیه که سیمون به طور معجزه آسائی زنده ماند.   کارهای برجسته:   •      اولين صعود زمستانی قله اصلی شیشاپانگما (8027 متر) به همراه کوهنورد        لهستانی پیوتر مورافسکی. ژانویه 2005 •       صعود سرعتي کوه البروس (5642 متر) در قفقاز در عرض 3 ساعت و        40دقیقه، در 25 سپتامبر 2004 •       صعود برودپیک (8047 متر) در قراقوروم در عرض 29 ساعت، در 15         جولای 2000           •       نانگاپاربات، باز کردن مسیر جدید 2100 متری، در 22 ژوئن 2004 •       قله خالی هیمال (Khali Himal) (7066 متر) که به نام بارونتسه نورث         (Baruntse North) معروف است. این اولین صعود دیواره شمالی 2500 متری          بارونتسه است که 1350 متر پایانی آن نیز به سبک آلپی صعود شد. •       سه بار فتح قله اورست (8850 متر) بلندترین کوه جهان، صعود از سمت   شمالی (تبت) در 24 می 2002. سیمون در سال 2006 از سمت جنوبی صعود کرده و با فرود از تبت، تراورس کوه را کامل کرد. تنها 4 ساعت و 30 دقیقه طول کشیدتا از قله به پای کوه برسد. •       قله چوایو (8201 متر) ششمین کوه بلند جهان در عرض 11 ساعت صعود، در         پنج شنبه 9 می 2002 •       ماربل وال (6400 متر) صعود زمستانی •       اورست (8850 متر)       تنها در عرض 37 روز صعود به قله لنین (7134 متر)، قله کمونیسم (7495         متر)، قله کورژنفسکی (7105 متر)، قله خان تنگری (7010 متر) •       لوتسه (8516 متر) برای دومین بار •       فیتز روی (3441 متر) صعود سرعتی . رفت و برگشت در عرض  24 ساعت •       شیشاپانگما (8008 متر) و فرود با اسکی از 7200 متری •       صعود سرعتی لوتسه (8516 متر) در 17 ساعت، سال 1994 •       صعود سرعتی زمستانی آکونکاگوآ 6962 متر و سرو میرادر (6047 متر)    سیمون هم اکنون به همراه دو همراه پاکستانی خود بر روی برودپیک تلاش می کند کوهی که زمستان گذشته سیمون را نا کام گذاشت .

[والتر بوناتی <اسطوره دیروز >](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/75)

در ۱۹۶۵، والتر بوناتی با کوه‌نوردی وداع کرد، او بدون شک بزرگترین کوه‌نورد دوران خود بود و به انجام کار برجسته و شگفت‌آوری فکر می‌کرد! نخستین صعود زمستانی از مسیر مستقیم رخ شمالی ماترهورن.

در ۳۵ سالگی، او شاه‌کار خود را به انجام رساند، زنجیره‌ای از صعود‌های افسانه‌ای!

مرد جوان اهل برگاما در سال ۱۹۴۹ در عرصه کوه‌نوردی درخشید!، او ۱۹ ساله بود که ۶مین صعود Walker Spur را در گراند ژُراسس Grand Jorasses و با ۳ نفر از دوستان جوان خود به انجام رساند، ماریو بیانچی، امیلیو ویلا و آندریو اُگیونی. دو سال پس از آن به همراه لوچیانو گیگو، رخ شرقی گران کاپوسن Grand Capucin، پرشیب ترین دیواره مون بلان Mont Blanc را صعود کرد.

در ۱۹۵۴، بوناتی در یک اکسپدیشن ایتالیایی برای صعود به کی‌دو K2 شرکت کرد، تجربه‌ای دردناک و تلخ که طی آن او و باربر پاکستانی، مهدی، به دنبال یک سوء تفاهم با هم‌نوردان خود، از یک بیواک دشوار در ارتفاع بالا جان سالم بدربردند.

او در بازگشت آماج حمله‌ها و انتقاد‌های نادرست و ناعادلانه‌ای شد که تا ۵۰ سال پس از آن نتوانست از آنها تبری جوید و در نتیجه دست به چالشی خارق‌العاده زد و در تابستان ۱۹۵۵ در طول ۵ روز اولین صعود سلو بر روی رخ جنوب غربی دیواره درو را انجام داد، به دنبال آن برج آنجل Grand Pilier d'Angle در مون بلان را در سال ۱۹۵۷ و به همراه تونی گابی، برج قرمز بروییارد Brouillard را در سال ۱۹۵۹ به همراه آندریا اُگیونی و رخ شمالی برج آنجل را با یک یخ نوردی بسیار دشوار در ۱۹۵۹ به همراه کوزیمو زاپلی صعود کرد.

بازگشت او به هیمالایا در ۱۹۵۸ و صعود به گاشربروم۴ به ارتفاع ۷۹۸۰ متر با هم‌نوردی کارلو موری بود.

در ۱۹۶۱ او از جمله کسانی بود که از تراژدی برج فرِنِی Freney Pillar در منطقه مون بلان جان سالم بدربردند. در این تراژدی ۴ نفر از ۷ کوه‌نورد جان خود را در توفان از دست دادند... در ژانویه ۱۹۶۳ او کاری را که بسیار در اندیشه‌ی آن بودعملی کرد، صعود زمستانی واکر اسپور Walker Spur of the Grand jorasses.

نخستین صعود‌های او به ندرت در جایی نقل شد، اما این صعودها به دلیل منطق او در یافتن مسیر، تعهد او به اخلاق در کوه‌نوردی، هنر صعود و احترام به کوه‌نوردی طبیعی، با ارزش و قابل توجه هستند.

پس از شاه‌کار او در صعود به ماترهورن‌، والتر بوناتی زندگی خود را در سفر، عکاسی و نوشتن گذرانده است. او با مجله‌های بزرگ و معروف ایتالیا مانند اِپوکا کار می‌کند، هر چند که او از دنیای کوه‌نوردی تا حدی جدا شده است، ولی هنوز یک جهره درخشان و بزرگ است.

مسیر او بر روی گران کاپوسَن به یک الگو بدل شد، صعود برج درو ی او نمونه‌ی زیبایی و شکوه است، مسیری که همه‌ی کوه‌نوردان رویای صعود آن را دارند و به هر روی، اهمیت والتر بوناتی بسیار فراتر از به شمارش آوردن صعود‌های اوست، این اهمیت برای صداقت و درستی، استقامت و سخت‌کوشی و انسانیت اوست.

۴۵سال پس از نخستین صعودش، والتر بوناتی الگوی دنیای کوه‌نوردی است.

[پیتر هابلر](http://pesaranekoohestan.blogfa.com/post/74)



پیتر هابلر کوهنورد مشهور اطریشی به واقع نخستین انسانی بود که بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن و البته به پیشنهاد و در پی راینولد مسنر بر فراز بام دنیا اورست ایستاد (زمانی که هابلر بر فراز قله ایستاد، کمی پائین تر مسنر مشغول تصویر برداری از او بود).

وی متولد 22 جولای 1942 در شهر مایروفن می باشد.  نخستین تلاش های ثبت شده از هابلر در کوه های راکی و نشنال پارک یوسی میتی می باشد و البته از او به عنوان نخستین اروپایی که موفق به صعود دیواره های این منطقه گردید یاد می کنند.

آغاز کوهنورد جدی هابلر به همراه راینولد مسنر در سال 1969 می باشد که موفقیت های زیادی را نیز به همراه داشت. اما جدیترین و مهمترین فعالیت این دو به همان صعود بدون کپسول اکسیژن اورست در سال 1978 و در معیت یک تیم اطریشی باز می گردد. کاری که پیش از آن از سوی دانشمندان امری محال فرض می شد. در آن صعود و در بازگشت از قله نیز هابلر با ثبت رکورد فرود تا گردنه جنوبی و تنها در مدت یک ساعت رکوردی باور نکردنی ثبت نمود که سال ها پا برجا ماند.

علاوه بر این موفقیت هابلر توانست صعودهای شاخص دیگری را نیز بر روی قلل 8000 متری به ثبت رساند که مهمترین آنها چوآیو، نانگاپاربات، کانچن چونگا و گاشربرومI می باشد و البته صعود گاشربرومI او بازهم به همراه راینولد مسنر و البته به سبک آلپی و در مدت 3 روز در تابستان 1975صورت گرفت. از این صعود به عنوان نخستین صعود کاملا آلپی بر روی یک 8000 متری یاد میگردد.

هابلر بعدها اقدام به تاسیس مدرسه کوهنوردی و اسکی در زادگاهش نمود، که امروزه توسط پسر او اداره میشود و البته خود هابلر نیز در آن به تدریس مشغول است.